

<https://dx.doi.org/10.30510/psi.2022.340845.3434>

Developmental state and poverty

Abstract

A developmental state is characterized by having strong state intervention, as well as extensive regulation and planning. A Developmental State is a state where the government is intimately involved in the macro and micro economic planning in order to grow the economy”, with the addition “whilst attempting to deploy its resources in developing better lives for the people”. Brazil officially the Federative Republic of Brazil is the largest country in both South America and Latin America. The Economy of Brazil is the world's eighth largest economy by nominal GDP and eighth largest by purchasing power parity. Luiz Inácio Lula da Silva is a Brazilian politician and former union leader who served as the 35th President of Brazil from 1 January 2003 to 31 December 2010. In the 8 years of the Lula da Silva presidency, economic successes went hand in hand with social results: this is called redistributive or inclusive growth. GDP per capita growth rates were higher in the poorer quantiles of the population, than in the richer groups. Unemployment rates declined, formal employment and average earnings increased. Income inequality (also its spatial dimension) and poverty declined. Lula da Silva by implementation of Programs Bolsa Familia, Bolsa Escola, Growth Acceleration Program improved the poverty in Brazil.

Keywords: development, Developmental state, Brazil, poverty, Lula da Silva

دولت توسعه‌گرا و فقر

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۴/۲

دکتر احمد ساعی^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۶/۲۷

عبدالرضا سیفی^۲

چکیده:

نظریه دولت توسعه‌گرا نظریه‌ای درباره شیوه گذار به توسعه از مسیر دخالت موثر و آگاهانه دولت در اقتصاد و هدایت منابع و امکانات کشور در مسیر توسعه است. دولت توسعه‌گرا گونه‌ای از دولت می‌باشد که قادر به تولید حرکت پایدار معطوف به توسعه است. با روی کار آمدن لولا داسیلوا و تشکیل دولت توسعه‌گرا در برزیل، توسعه در این کشور با تحولی اساسی مواجه شده و این کشور توانسته است بر بسیاری از مشکلات اقتصادی و اجتماعی جامعه خود، خصوصاً فقر و گرسنگی گسترده فائق آید. این مقاله با استفاده از روش تحلیلی- توصیفی بدنبال پاسخ به این سوال است که دولت توسعه‌گرای لولا داسیلوا چه تاثیری بر کاهش فقر در برزیل داشته است؟ در این مقاله با استفاده از داده‌های مختلف آماری مشخص می‌گردد که لولا داسیلوا با ایجاد یک دولت توسعه‌گرا و اتخاذ سیاست‌های راهبردی مانند برنامه کمک هزینه خانواده، برنامه مبارزه با گرسنگی، برنامه رشد پرشتاب، سیاست اشتغال‌زایی و... توانست در دوران ریاست جمهوری هشت ساله (۲۰۱۱-۲۰۰۳) خود میزان فقر و گرسنگی در برزیل را به میزان مشهودی کاهش دهد. در نتیجه سیاست‌های هشت ساله دولت لولا ۲۰ میلیون برزیلی از زیر خط فقر خارج شده، سن امید به زندگی ۳،۲۷ واحد رشد یافته، تولید ناخالص داخلی برزیل به بالاترین میزان در طول تاریخ این کشور رسیده و شاخص توسعه انسانی برزیل با رشد ۰،۰۳۶ واحدی برای اولین بار این کشور را در ردیف کشورهای با توسعه انسانی بالا قرار داده است.

واژگان کلیدی: توسعه، دولت توسعه‌گرا، برزیل، فقر، لولا داسیلوا

^۱دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه آزاد علوم و تحقیقات

^۲دانشجوی دکتری روابط بین الملل دانشگاه آزاد علوم و تحقیقات

برزیل کشوری با مساحت ۸،۵۱۵،۷۶۷ میلیون کیلومتر مربع، بزرگترین کشور آمریکای لاتین و پنجمین کشور وسیع جهان می باشد. برزیل با تمام کشورهای آمریکای جنوبی به غیر از شیلی و اکوادور مرز مشترک داشته و کمتر از نیمی از وسعت آمریکای جنوبی را به خود اختصاص داده است. این کشور همچنین با جمعیت ۲۱۵۲۹۰۹۰۰ نفری ششمین کشور پرجمعیت جهان می باشد (worldometers, ۲۰۲۲). اقتصاد برزیل در سال های اخیر با رشد و توسعه قابل توجهی مواجه بوده و امروزه این کشور به یکی از قدرت های بزرگ اقتصادی تبدیل شده است. بر اساس گزارش صندوق بین المللی پول برزیل در سال ۲۰۱۷ با تولید ناخالص داخلی ۲،۰۵۴،۹۶۹ میلیون دلار هشتمین اقتصاد برتر جهان بوده است (imf, 2018). تبدیل شدن برزیل از یک کشور بدهکار که بخش زیادی از جمعیت آن در زیر خط فقر زندگی می کرده اند، به هشتمین اقتصاد برتر جهان و یکی از قدرت های سیاسی ای که ادعای عضویت دائم در شورای امنیت سازمان ملل و بهره مندی از حق وتو دارد، توجه تحلیلگران سیاسی را به نقش و کارکرد دولت در برزیل و تاثیر آن بر رشد و توسعه اقتصادی این کشور خصوصا رفع فقر جلب نموده است. تاریخ معاصر برزیل دوره های مختلفی از روی کار آمدن دولت های مختلف توسعه گرا، اقتدارگرا، اقتدارگرای دمکراتیک و... را تجربه نموده است. هر کدام از این نوع دولت ها تاثیر مختلفی بر فرآیند توسعه برزیل داشته اند. در این مقاله با معیار قرار دادن موضوع فقر، با روش تحلیلی - توصیفی به این سوال پاسخ داده می شود که دولت توسعه گرای لولا داسیلوا چه تاثیری بر فقر در برزیل داشته است؟ فرضیه این مقاله این است که لولا داسیلوا با ایجاد یک دولت توسعه گرا و اتخاذ سیاست های راهبردی مانند برنامه کمک هزینه خانواده، برنامه مبارزه با گرسنگی، برنامه رشد پرشتاب توانسته است در دوران ریاست جمهوری هشت ساله (۲۰۰۳-۲۰۱۱) خود فقر در برزیل را به میزان قابل توجهی کاهش دهد.

با بررسی آثار پیشین در این حوزه به چند اثر می توان اشاره نمود. اولین اثر مقاله خانم سعیده خادم المله با عنوان ((بررسی عوامل تبدیل برزیل به یک قدرت نوظهور اقتصادی)) منتشره در شماره زمستان ۱۳۹۱ فصلنامه سیاست خارجی می باشد، که ایشان در مقاله مذکور صرفا به روند جهش اخیر برزیل به عنوان یک اقتصاد نوظهور پرداخته اند. مقالات دیگر با عنوان ((اقتصاد سیاسی توسعه و دموکراسی در برزیل (۲۰۱۱-۱۹۶۰))، به قلم حسین جمالی و مقاله ((تاثیر سیاستهای نولیبرالیستی و نورمکانتیلیستی در توسعه اقتصادی برزیل (۲۰۱۶-۱۹۸۵)) به قلم هادی آجیلی و مهدی رضایی می باشند که به ترتیب در سالهای ۱۳۹۴ و ۱۳۹۸ در فصلنامه مطالعات میان رشته ای و فصلنامه راهبرد توسعه منتشر شده اند. مقالات فوق الذکر هم به لحاظ دوره مورد بررسی، موضوع مقاله و چارچوب نظری با اثر حاضر متفاوتند. در واقع هیچکدام از مقالات فوق به موضوع تاثیر دولت توسعه گرای لولا داسیلوا در بازه زمانی (۲۰۰۳-۲۰۱۱) بر فقر در برزیل نپرداخته اند.

۱- چارچوب نظری

۱-۱- دولت توسعه گرا

به طور کلی، اصطلاح توسعه از تفکر توسعه مدرن بعد از جنگ و در طول سال های جنگ سرد رایج شده است. در لغت نامه دهخدا توسعه را با سه دسته معنی الف) گشاد کردن، فراخ کردن، وسعت دادن،

ب) گشادی، فراخی و ج) ترقی، پیشرفت و در لغت نامه عمید توسعه را به فراخی و گشادگی معنی نموده اند. (دهخدا، ۱۳۹۰) (عمید، ۱۳۹۴). واژه توسعه معادل کلمه انگلیسی Development می باشد که مشتق از واژه ی Develope به معنای رشد و گسترش تدریجی و نمود و تطور یافتن، آشکار شدن و از پوسته و غلاف درآمدن است (جهانیان، ۱۳۷۷: ۱۱۰). به طور کلی توسعه جریانی است که در خود تجدید سازمان و سمت گیری متفاوت کل نظام اقتصادی اجتماعی را به همراه دارد. توسعه علاوه بر اینکه بهبود میزان تولید و درآمد را در بردارد، شامل دگرگونی های اساسی در ساخت های نهادی، اجتماعی- اداری و همچنین ایستارها و دیدگاه های عمومی مردم می باشد. توسعه در بسیاری از موارد، حتی عادات و رسوم و عقاید عموم مردم را نیز در بر می گیرد (فلاح، ۱۳۷۶: ۶۶). نظریه دولت توسعه گرا، یکی از جدی ترین و اساسی ترین نظریه های مطالعات توسعه است. این انگاره با تاکید بر نقش محوری دولت در اقتصاد و فرآیند توسعه شکل گرفته است (عباسی، ۱۳۸۵: ۲۱۷). مسئله نقش دولت در فرآیند توسعه کشورها و میزان تاثیرگذاری آن بر موفقیت برنامه های توسعه ای همواره موضوعی مهم و مورد مناقشه در میان اندیشمندان توسعه بوده است. تجربه های عملی در نوسازی کشورها، پارادایم فکری مسلط در میان نخبگان، برنامه های پیشنهادی نهادهای بین المللی و ... سبب گردیده کشور های مختلف بر اساس تشخیص رهبران خود نقش و جایگاه متفاوتی را برای دولت در توسعه تعریف نمایند.

جامعه بین المللی به رهبری صندوق بین المللی پول و بانک جهانی، بسته ای از سیاست ها را تشویق می کرد که به مرور با عنوان اجماع واشنگتنی معروف شد. محور این سیاست ها، اجرای برنامه های تعدیل ساختاری با هدف کاهش اندازه و گستره دخالت دولت بود. اما توصیه های اجماع واشنگتنی نیز برای برخی کشورهای در حال توسعه، به ویژه در آمریکای لاتین، نتایج نامطلوبی داشت و نتایج سیاست های تعدیل، انتقاداتی را متوجه این دیدگاه کرد. لذا از اوایل دهه ی ۱۹۹۰، تغییری در نوع نگاه به جایگاه دولت ایجاد شد. ظهور این دیدگاه عمدتاً ناشی از موفقیت برخی تجربه های توسعه ای بود که در شرق آسیا و با محوریت دولت به وقوع پیوسته بود. برخی کشورهای این منطقه که به ببرهای آسیا معروف شدند، رشد سریع اقتصادی و حرکت از جامعه ای عمدتاً کشاورزی در دهه ی ۱۹۶۰ به تولید کنندگان فناوری های مدرن و کالاهای با ارزش افزوده ی بالا در دهه ی ۱۹۹۰ را تجربه کردند (موثقی، کاهه، ۱۳۹۴: ۹۷۰). در واقع در ظهور و گسترش نظریه ی دولت توسعه گرا، دو عامل اصلی دخیل بوده اند. اولین و مهمترین عامل موفقیت کشورهای شرق آسیا در دستیابی به رشد و توسعه سریع بود که نظر بسیاری از نظریه پردازان توسعه را به خود جلب کرد. اما عامل دوم، استفاده از مفهوم و نظریه ی دولت توسعه گرا از سوی برخی از صاحب نظران در واکنش به برخی دیدگاه های شایع آن زمان به ویژه نظریه های اقتصادی لیبرال بود که عامل موفقیت شرق آسیا را عملکرد صحیح نیرو های بازار می دانستند (موثقی، کاهه، ۱۳۹۴: ۹۷۲). آدریان لفت و بیچ می گوید دولت توسعه گرا گونه ای از دولت است که قادر به تولید حرکت پایدار معطوف به توسعه است (امیدی، فالحی، ۱۳۹۶: ۱۵۱). از نظر وی دولت توسعه خواه دولتی است که عملکرد موفق توسعه اقتصادی و اجتماعی اش نشان از این دارد که چگونه اهداف سیاسی و ساختارهای نهادی اش جهت گیری توسعه ای دارد و در عین حال اهداف توسعه ای آن به لحاظ سیاسی جهت گیری شده است.

۲-۱- ویژگی های دولت توسعه گرا

۱. IMF -- International Monetary Fund

۲. Washington Consensus

نظریه پردازان دولت توسعه گرا ویژگی های مختلف و تقریبا مشابهی را برای دولت توسعه گرا مطرح نموده اند. چالمرز جانسون در کتاب میتی و معجزه ی ژاپن، دولت توسعه خواه را دولتی با ویژگی های ذیل می داند: (موثقی، کاهه، ۱۳۹۴: ۹۷۶).

- وجود گروهی کوچک، اما نخبه در راس بوروکراسی اداری
- نظام سیاسی ای که بوروکراسی در آن قدرت مانور کافی دارد تا ابتکار عمل را به دست بگیرد و به گونه ای موثر عمل کند
- ترجیح شیوه های دخالت دولت در اقتصاد که مشخصه ی آن ها این بود که مکمل بازارند
- سازمانی راهبر مانند وزارت صنایع و تجارت بین المللی ژاپن (میتی) که سیاستگذاری توسعه صنعتی را از طریق نفوذی کنترل می کند که در امر برنامه ریزی در عرصه های مختلف اقتصادی کشور مانند بخش انرژی، بخش مالی و بودجه دولتی، اتحادیه ها و تولید داخل داراست.

پیکانن چهار ویژگی اصلی برای دولت های توسعه گرا در نظر گرفته که عبارتند از: ۱. بوروکراسی شایسته سالار، ۲. نظام سیاسی بوروکراتیک محور که در آن اختیارات قوه قانون گذاری محدود شده است، ۳. مداخلات مؤثر دولت در اقتصاد و ۴. وجود سازمانی راهنما برای هدایت روند توسعه. (میرترابی و دیگران، ۱۳۹۵: ۲۱) آدریان لفت و ویچ نظریه پرداز مهم دولت توسعه گرا در کتابی که با عنوان دولت های توسعه گرا، پیرامون اهمیت سیاست در توسعه در سال ۲۰۰۰ نوشته است ویژگی های دولت توسعه گرا را به شرح ذیل آورده است:

۱- همه دولت های توسعه گرا از سوی نخبگان توسعه گرای مصممی هدایت شده اند. مشخصه این گونه نخبگان توسعه گرا عزم راسخ آن ها برای توسعه، اعتقادشان به رشد و دگرگونی اقتصادی و ظرفیتشان برای با فشاری برای تحقق آنهاست.

۲- یک وجه مشترک دولت های توسعه گرا، استقلال نسبی نخبگان و سازمانهای دولتی تحت فرمان این دولت ها بوده است. در این دولت های عامل اصلی سبب ساز این استقلال، تفوق حکومت تک حزبی ناشی از پیروزی های مکرر در انتخابات ها بوده است.

۳- در همه دولت های توسعه گرا یک بوروکراسی با کفایت و مجزا از منافع اقتصادی خاص وجود دارد. در ژاپن وزارت دارایی و وزارت صنایع و تجارت خارجی (MITI) یک نمونه ایده آل از این نوع بوروکراسی است. خصوصیات این سازمان مسلط سطح بالای اقتصادی یا آنچه که جانسون آن را موسسات هدایتگر می نامد عبارت است از: قدرت، اقتدار، قابلیت تکنیکی و جدایی اشان از منافع خاص در شکل دهی به حرکت های اساسی جهت تدوین سیاست توسعه.

۴- در همه دولت های توسعه گرا، جامعه مدنی، تضعیف، تحقیر یا کنترل شدن توسط دولت را تجربه کرده اند.

۵- دولت های توسعه گرا از ظرفیت کنترل منافع اقتصادی محلی و خارجی به نحوی مؤثر برخوردارند. همه دولت های توسعه گرا مجموعه ای دستگاههایی را به وجود آورده اند که آن ها را برای استفاده از سرمایه تحت کنترل جهت اهداف توسعه ای کشور توانا ساخته است.

۶- بسیاری از دولت های توسعه گرا ترکیبی پرتنش از سرکوب، وضع بد حقوق بشر، مشروعیت و عملکرد مناسب وجود دارد (لفت ویچ، ۱۳۸۵: ۲۵۲-۲۵۸).

۱-۳- فقر

ساده ترین تعریف مربوط به فقر، فقیر را کسی می داند که به منابع اقتصادی دسترسی کافی نداشته باشد تا بتواند به کالاهای کافی برای تامین نیازهای اساسی دست یابد. (میرجلیلی، ۱۳۸۷: ۸۴) در تعریف مفهوم فقر اقتصاددانان بیشتر به زمینه ظهور و نتایج فقر توجه نموده و به ندرت به تحلیل اجتماعی پرداخته اند. در جامعه شناسی، فقر را معمولاً «برآورده نشدن نیازهای اساسی بشر به حد کفایت» تعریف نموده اند. امروزه نیازهای مادی بنیادین انسان را بدین گونه برمی شمارند: خوراک، پوشاک، مسکن، بهداشت و درمان، آموزش، نقل و انتقال، تشکیل خانواده، ورزش و اوقات فراغت. برخی محققان این نیازها را به سه گروه اساسی تقسیم می کنند که عبارتند از: تغذیه، سرپناه و سلامتی. که در صورت نبودن آنها، حکم به فقیر بودن فرد در جامعه می کنند. (اسفندیاری، ۱۳۸۲)

بسته به اینکه در تعریف فقر مفهوم مطلق یا نسبی در نظر گرفته شود، آستانه ای تعریف میشود که مرز بین فقیران و سایر افراد جامعه را مشخص میکند. این آستانه، خط فقر نامیده میشود. براساس تعریف، خط فقر مطلق عبارت است از "مقدار درآمدی که با توجه به زمینهای فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، ... جامعه مورد بررسی برای تامین حداقل نیازهای افراد (مانند غذا، پوشاک، مسکن و...) لازم است و یا حداقل شرایطی (مانند حداقل میزان درآمد، تحصیلات، مسکن و...) است که عدم تامین آن موجب میشود تا فرد مورد بررسی به عنوان فقیر در نظر گرفته شود" این روش تعیین خط فقر را "روش نیازهای اساسی" نیز میگویند. خط فقر نسبی هم به صورت درصد معینی از درآمد جامعه (یا میانگین درآمد جامعه) و یا به شکل یک مرز درآمدی که درصد معینی از افراد جامعه پایینتر از آن قرار میگیرند، تعریف میشود. (ارضروم چیلز، ۱۳۸۴: ۱۳-۱۴)

شاخص خط فقر^۱ یکی از شاخص های رایجی است که برای سنجش فقر در کشورها مورد استفاده قرار می گیرد. خط فقر عبارت است از سطحی از نماگر که افرادی که در مقادیر پایین تر از آن قرار دارند، فقیر محسوب شده و در مقادیر بالاتر از آن فقیر محسوب نمی شوند. (طباطبایی، ۱۳۸۹) بر اساس آخرین گزارش بانک جهانی، این بانک برای تعریف فقر مطلق درآمد کمتر از یک دلار و ۹۰ سنت در روز را در نظر گرفته است. (World Bank, 2015) بانک جهانی افرادی را که با این شرایط زندگی می کنند را در دسته بندی «فقر شدید» قرار داده است. همچنین بانک جهانی در استانداردهای جدید فقر اعلام نموده است که آن دسته از افرادی که درآمد آنها ۳,۲۰ دلار در روز و در کشورهای با «درآمد پایین تر از متوسط» زندگی می کنند در خط فقر هستند و اگر دریافتی افرادی که در کشورهای «با درآمد بالاتر از متوسط» زندگی می کنند. روزانه ۵,۵۰ دلار باشد، این افراد هم در مقوله خط فقر قرار می گیرند. (www.eghtesadonline.com)

۲- دولت توسعه گرای لولا داسیلوا

^۱ poverty line.

با پایان یافتن امپراتوری برزیل و انتخاب اولین رئیس‌جمهور این کشور و بر اساس نوع حکومت، تاریخ سیاسی برزیل بر اساس دوره‌های شش‌گانه کشف تا پایان نظام سلطنتی، دوره جمهوری اول (۱۸۸۹ تا ۱۹۳۰)، دوره وارگاس (۱۹۳۰ تا ۱۹۴۶)، جمهوری دوم (۱۹۴۶ تا ۱۹۶۴)، رژیم نظامی (۱۹۶۴ تا ۱۹۸۵) و جمهوری جدید (۱۹۸۵ به بعد) تقسیم بندی می‌گردد.. (Schneider, 2015: 116)

در این پژوهش با تمرکز بر آخرین دوره تاریخی برزیل، یعنی دوره جمهوری جدید میزان تاثیر دولت توسعه‌گرای لولا داسیلوا در بازه زمانی سالهای ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۱ در کاهش فقر، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

لویس ایناسیو لولا داسیلوا^۱ به عنوان سی‌پنجمین رئیس‌جمهوری برزیل به مدت دو دوره چهار ساله از اول ژانویه ۲۰۰۳ تا اول ژانویه ۲۰۱۱ میلادی مسئولیت ریاست جمهوری برزیل را برعهده داشته است. لولا پیش از انتخاب به عنوان رئیس‌جمهور از موسسین حزب کارگر برزیل (PT) بوده است. دوران ریاست جمهوری لولا به دلیل تاثیر گذاری ویژه شخصیت سیاسی او بر سیاست و اقتصاد برزیل، به دوران لولایسم^۲ در ادبیات سیاسی این کشور اشتهار یافته است (رضایی، آجیلی، ۱۳۹۸: ۶۵).

همانطور که در ابتدای مقاله به آن پرداخته شد شاخصه‌هایی مانند دخالت دولت در اقتصاد، وجود نخبگان توسعه‌گرا، استقلال نسبی نخبگان و سازمانهای دولتی، بوروکراسی، و دمکراسی کنترل شده شاخصه‌های مشترک دولت‌های توسعه‌گرا می‌باشند. در این پژوهش دوران هشت ساله ریاست جمهوری لولا داسیلوا با شاخصه‌های مشترک دولت‌های توسعه‌گرا سنجیده می‌شود.

یکی از خصوصیات دولت لولا داسیلوا دخالت دولت وی در اقتصاد و فرآیند توسعه برزیل بوده است. در جدول زیر نشان داده می‌شود که دو دولت کاردوسو و لولا داسیلوا حجم وسیعی از میزان اقدامات حمایت‌گرایانه اقتصادی را در دوران مسئولیت خود به کار برده‌اند. در این جدول برزیل رتبه دوم اقدامات حمایت‌گرایانه اقتصادی در آمریکای لاتین را به خود اختصاص داده است (تیموری، ۱۳۹۵: ۱۷۰).

جدول ۲- اقدامات حمایت‌گرایانه اقتصادی در آمریکای لاتین از ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۲

کشور	شاخص حمایت‌گری اقتصادی	کشور	شاخص حمایت‌گری اقتصادی
آرژانتین	۱۷۰	اکوادور	۶
برزیل	۸۶	اروگوئه	۴
مکزیک	۲۳	بولیوی	۳
ونزوئلا	۱۱	شیلی	۲
کلمبیا	۷	کاستاریکا	۱

^۱. Luiz Inácio Lula da Silva

^۲ Workers' Party (Portuguese: Partido dos Trabalhadores, PT)

^۳. Loyalism

مداخلات دولت لولا در بازار کار یکی از شاخصه های اصلی برنامه اجتماعی لولا در دوران ریاست جمهوری اش بوده است. سیاست های پرداخت حداقل حقوق و دستمزد (که منجر به افزایش ثابت در حداقل دستمزد واقعی با هدف بازگرداندن قدرت خرید شد) و سیاست هایی مانند ساده سازی مالیات، نظارت دقیق تر بر روی اشتغال موجود، منجر به وجود آمدن مشاغل رسمی و درآمد بیشتر شد. معرفی برنامه های زیرساختی به نام برنامه رشد پرشتاب (PAC) و برنامه سرمایه گذاری نیز دارای برخی عناصر ابتکاری همکاری های دولت و بخش خصوصی است. در دوران لولا، دولت دخالت های مستقیمی در زیرساخت های اجتماعی مانند تامین مسکن کم هزینه، بهداشت، حمل و نقل شهری انجام می داده است (Riciz, 2014:10).

آتول کوهلی^۲ در کتاب توسعه دولت محور، برزیل را کشوری دارای یک اقتصاد ترکیبی و نقش دولت را در این کشور تقویت فعالانه توسعه ملی با کمک یک بوروکراسی توسعه گرا و تحرک منابع محلی می داند. وی معتقد است که با توجه به فقدان یک جامعه مدنی حرفه ای، برزیل وابسته به خلق مدلی از بوروکراسی دولتی است که اغلب اقتصاد را به خوبی مدیریت می کند. عوامل مشارکت کننده در موفقیت این مدل عبارتند از:

- تکنوکراتهای آموزش دیده
- رهبران متعهد به کار
- موقعیت بالای حقوق بگیران دولتی
- گروههای مرجع پایداری از تکنوکرات های نخبه که به مثابه یک گروه به هم پیوسته عمل می کنند.

کوهلی معتقد است نوع خاص بوروکراسی در برزیل، عاملی در تداوم حرکت این دولت توسعه گرای جدید، به خصوص در دوره جمهوری جدید می باشد (تیموری، ۱۳۹۵: ۱۸۲).

استقلال نسبی دولت یکی دیگر از شاخصه های دولت های توسعه گراست. پیتر اوآنز^۳ در کتاب توسعه یا چپاول، صنایع استخراج و معدنی را زمینه ای برای استقلال نسبی دولت می داند و معتقد است از میادین نفتی خاورمیانه تا معادن مس آفریقا و آمریکای لاتین (مشخصا استخراج فولاد و صنعت فولاد برزیل)، صنایع استخراج حوزه هایی بوده اند که در آن دولت به جای طبقه کار آفرین آن کشور عمل کرده و با تاسیس شرکتهای دولتی، بار توسعه را خود به دوش گرفته است. در نتیجه مبنایی برای استقلال نسبی تشکیلات دولت در برابر رقبای کارآفرین بخش محلی و خصوصی ایجاد کرده است. استقلال نسبی دولت به این مفهوم اشاره دارد که نه تنها ترجیحات مقامات دولتی و رسمی بر گروه های اجتماعی قدرتمند برتری دارد؛ بلکه آنها ظرفیت، یکپارچگی سازمانی، تجربه و توانایی انسجام بخشی بیشتری در تصمیم سازی بر مبنای ترجیحات خود را دارند (ایوانز، ۱۳۸۰: ۱۶۱-۱۶۰).

در تاریخ معاصر برزیل نخبگان این کشور نقش مهمی در فرایند توسعه این کشور داشته اند. نفوذ نخبگان برزیل در سیاست، اقتصاد، حکومت، تجارت و رسانه بر تصمیم سازی فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی این کشور تاثیر مستقیم داشته و عملکرد ایشان با منافع ملی پیوند است. نخبگان برزیل با وجود تنوع در طبقه بندی، یک

^۱ Growth Acceleration Program.

^۲ Evans, Peter B.

ویژگی بنیادین عمومی دارند و آن، همگن بودن و ارتباط آشکار با قدرت سیاسی است (تیموری، ۱۳۹۵: ۱۷۰). آتول کوهلی^۱ معتقد است در برزیل ائتلافی متشکل از نخبگان سیاسی و اقتصادی، صنعتی شدن کشور را تسهیل کردند (افشار کهن، ۱۳۸۸: ۳۷۷). کنشگری اقتصادی - صنعتی نخبگان برزیل را می‌توان بعد از اعمال برنامه‌های اصلاحات کاردوسو به تمامی نظاره کرد. اتصال برزیل به سرمایه جهانی می‌تواند توضیحی بر آثار بالقوه نخبگان بر ساختار اقتصادی و اجتماعی برزیل باشد. از یک سو، منابع نفوذ جدیدی برای نخبگان موجود ایجاد کرده و سرمایه‌گذاری خارجی به نخبگان صنعتی و تجاری برزیل اجازه داده است مدل تجاری و محصولات خود را به فراسوی بازارهای ملی گسترش دهند. از سوی دیگر، بر فعالیت‌های محلی نخبگان برای هم‌راستایی با محدودیتهای سرمایه جهانی فشار وارد می‌کند (روشا، ۱۳۸۳: ۲۹).

وجود بوروکراسی اقتصادی توانمند و منسجم یکی از ویژگی‌های کلیدی دولت توسعه‌گراست. اشنایدرا^۲ با مقایسه برزیل، ژاپن و ایالات متحده اینگونه نتیجه‌گیری می‌کند که در حالی که فقط انتصاب ده تا دوازده مقام برعهده نخست‌وزیر ژاپن است و این رقم برای ایالات متحده به صدها نفر می‌رسد، در حالیکه رئیس‌جمهور برزیل اختیار انتصاب ۱۰۰۰۰ تا ۱۵۰۰۰ نفر را داراست. به اعتقاد ایوانز در حالی که رهبران سیاسی برزیل نتوانستند در کلیت بوروکراسی این کشور تحولی به وجود آورند؛ کوشیدند درون دیوانسالاری، بخش‌های کارآمدی پدید آورند و با این روش دستگاه دولت را از طریق گسترش مدرن نمایند.

امروزه برزیل یک کشور دمکراتیک با نظام ریاست جمهوری فدرال می‌باشد و رئیس‌جمهور به عنوان عالی‌ترین مقام کشور و نمایندگان مجالس در سطح ملی و ایالتی با رای مستقیم مردم انتخاب می‌شوند، با اینحال، تاریخ این کشور مملو از کودتای نظامی، سرکوب دمکراسی و حضور رهبران اقتدارگراست. عموماً مشارکت سیاسی جامعه مدنی در آمریکای لاتین و خصوصاً برزیل به عملکرد دولتهای چپ‌گرا برمی‌گردد. آن چنان که کیربای^۳ اعتقاد دارد که از سال‌های دهه ۹۰ که حزب کارگر برزیل برای نخستین بار فرایندهای مشارکتی بودجه را در سطح شهرداری به کار بست؛ اشکال جدیدی از مشارکتهای مردمی با ظهور (چپ جدید) در آمریکای لاتین مشاهده شده است. پدیداری جامعه مدنی در دوره دموکراتیزاسیون برزیل عمیقاً با پیوند سه‌جانبه مدنی و بازار مرتبط است (Kirby, 2013: 103). دولتهای اقتدارگرای آمریکای لاتین، صورتهای ضد اجتماعی را از طریق مداخله در اتحادیه‌های کارگری و انجمن‌های داوطلبانه تعقیب می‌کردند؛ بنابراین، جامعه مدنی در آمریکای لاتین و برزیل - به مثابه یک مفهوم متمایز از بازار، دولت و جامعه و در پیوند با آنها در سراسر قرن بیستم تحکیم یافت. در برزیل که یک کشور چند فرهنگی و چند قومیتی است، تنوع و کثرت جامعه مدنی به صورت مشهود وجود دارد علاوه بر آن کارکرد دولت برزیل به عنوان میراثدار نظام‌های اقتدارگرای آمریکای لاتین در توزیع مزایای حاصل از رشد سریع و تسلط نیروهای بازار بر جامعه مدنی باعث تضعیف جامعه مدنی در برزیل شده است (تیموری، ۱۳۹۵: ۱۸۹).

^۱ Atul Kohli.

آتول کوهلی استاد دانشگاه پرینستون می‌باشد و تخصص اصلی وی در خصوص اقتصاد سیاسی تطبیقی با تمرکز بر کشورهای در حال توسعه است.

^۲ Schneider.

^۳ Peadar Kirby.

لولا داسیلوا را می توان به عنوان شخص محوری بروکراسی اداری برزیل معرفی نمود که با همراهی نزدیکان خود در حزب کارگر برزیل به هدایت و راهبری توسعه در برزیل پرداخت. لولا در جریان فکری چپ نو تقسیم بندی می گردد. چپ نو خواهان محدود شدن در های باز (نئولیبرالیسم)، گشودن در ها به صورت انتخابی و بر اساس نیازهای داخلی و نقش پذیری دولت در اقتصاد است. لولا داسیلوا را می توان به عنوان یکی از رهبران جریان چپ معتدل یا چپ گرای سوسیال دمکرات و پراگماتیست معرفی نمود. (خادم المله، ۱۳۹۱: ۱۰۳۷)

۲-۱- سازمان راهبر

بانک توسعه برزیل^۱ یکی از نهادهای است که می توان آن را به عنوان سازمانی راهبر و موثر در فرآیند توسعه اقتصادی برزیل معرفی نمود. بانک توسعه اقتصادی و اجتماعی برزیل، بانکی دولتی و یکی از بزرگترین بانکهای توسعه ای در جهان است که با هدف اجرای سیاستهای توسعه اقتصادی دولت و انعطاف پذیری بیشتر برای افزایش منابع سرمایه گذاری با دخالتهای کمتر سیاسی و تأمین مالی بلندمدت پروژه های با ارزش اجتماعی در سال ۱۹۵۲ ایجاد شده است. (مرکز پژوهش ها، ۱۳۹۷: ۲۷) این بانک برخلاف بیشتر نهادهای دیوانسالاری در برزیل، دارای چارچوب منضبط کاری، وظایف توسعه گرا یانه و انضباط اداری است (تیموری، ۱۳۹۵: ۱۸۱). بانک توسعه برزیل نقش مهمی در اجرای سیاستهای توسعه ای دولت برزیل داشته است که میتوان به موارد ذیل اشاره کرد:

- سرمایه گذاری در زیرساختها، بخش های کشاورزی، انرژی، فناوری
- ایفای نقش اساسی در سیاست جایگزینی واردات
- تشویق شرکتهای برای رقابت با کالاهای وارداتی در بازار داخلی و همچنین افزایش صادرات
- مسئول پشتیبانی مالی، فنی و امور اداری برنامه خصوصی سازی برزیل
- توجه به مناطق کمتر توسعه یافته از طریق سرمایه گذاری بیشتر در مناطق محروم و حمایت از صادرات شرکتهای کوچک و متوسط
- حمایت از حوزه فرهنگ برزیل با سرمایه گذاری در تولید فیلم و حفاظت از میراث تاریخی و هنری برزیل از سال ۱۹۹۵
- حمایت از افزایش ظرفیت تولید صنعتی، کارآمدی بخش خدمات و صنعت، شرکت های بین المللی برزیلی، افزایش صادرات و کاهش واردات،
- گسترش مسئولیت اجتماعی از طریق کمک به ارتقای توسعه منطقه ای و محلی، محیط زیست و نوآوری
- سرمایه گذاری داخلی در خودرو و نیز در بنادر و نوسازی صنعت کشتی سازی، مدرن سازی زیرساختهای کشور و ظرفیتهای تجاری دریایی (زنجان، مقیسه، ۱۳۹۷: ۲۸-۲۹)

علاوه بر توضیحات فوق در رابطه با تطبیق شاخصه های دولت توسعه گرا بر دولت لولا داسیلوا اندیشمندان مختلفی بر اساس شاخصه های دولت توسعه گرا دولت هشت ساله لولا داسیلوا را به عنوان دولت توسعه گرا یا دولت توسعه گرای اجتماعی معرفی نموده اند. به عنوان مثال می توان به مقالات ((دولت توسعه گرا در

^۱ Banco Nacional de Desenvolvimento Econômico e Social (BNDES).

برزیل: گذشته، حال و آینده)) جودیت ریتز، مقاله ((دولت توسعه گرا در برزیل دیدگاه های مقایسه ای و تاریخی)) روس اشنایدر^۱ و مقاله ((دولت توسعه یافته جدید: بانک توسعه ملی و مدل برزیل)) آلفرد مونتر و اشاره نمود (Ricz, 2014) (Garcia, 2013:2).

۳- فقر در دوران لولا داسیلوا

میزان افرادی که در فقر زندگی می کنند، یکی از مولفه های سنجش میزان موفقیت برنامه های توسعه ای کشورهاست. منطقه امریکای لاتین، جزو مناطقی است که نسبت به دیگر مناطق، خصوصاً اروپا و امریکای شمالی از تعداد فقرای بیشتری رنج می برد. تاریخ معاصر برزیل به دلایل مختلفی مانند سابقه تاریخی استعمار، توزیع نامناسب درآمد و برنامه های اقتصادی دولت های مختلف ... با فقر و تضاد طبقاتی پیوند خورده است. در دوران لولا داسیلوا تلاش گسترده ای از طرف دولت برای مبارزه با فقر و خصوصاً فقر غذایی صورت پذیرفت، این تلاش ها نتایج مثبت و مشهودی را هم در پی داشت.

سیاست های توسعه ای لولا داسیلوا در دوران وی تاثیر مشهودی بر ابعاد مختلف زندگی مردم برزیل داشت. به طوری که از سال ۲۰۰۳ تا پایان دوران ریاست جمهوری اش به دنبال سیاست های اقتصادی داسیلوا، نزدیک به ۲۰ میلیون برزیلی از خط فقر نجات پیدا کرده و وارد بازار اقتصادی شده اند. در مصاحبه داسیلوا با اکونومیست، وی قول داد تصمیماتی را طی مدت زمان ریاست جمهوری خود اتخاذ کند که برزیل مکان بهتری برای مردمان مختلف باشد. وی گفت: قصد داریم سطح زندگی مردم فقیر را بهبود بخشیده و آنها را به سطح متوسط جامعه نزدیکتر کنیم (ثمودی، ۱۳۸۹). اولویت های دولت لولا جنگ علیه فقر، بهبود سطوح آموزش، تساوی در خدمات اجتماعی، رشد سریع اقتصادی، سیاست مالی منضبط، کاهش تورم، احترام به قرارداد های خارجی، اشتغال جوانان و ریشه کنی گرسنگی با هدف کلان رسیدن به رفاه برای ملتش بود (آرتین، ۱۳۸۹). در ادامه برخی از مولفه های قابل سنجشی که نشاندهنده تغییر وضعیت فقر در برزیل می باشد مورد بررسی قرار می گیرد.

۳-۱- ضریب جینی

ضریب جینی^۲ کمیتی است که مقداری بین صفر (حداقل نابرابری) و یک (حداکثر نابرابری) دارد. (جلالی، ۱۳۸۵) در واقع این عدد هرچه کوچکتر باشد نشانه توزیع عادلانه تر ثروت و سطح نابرابری پایین تر در یک کشور می باشد. (جلایی اسفندآبادی، ۱۳۹۲: ۸۳). ضریب جینی در سالهای حضور لولا داسیلوا به عنوان رئیس جمهور تغییر محسوسی نموده است. در جدول زیر شاخص جینی در کشور برزیل بین سالهای ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۱ بر اساس آمار بانک جهانی آورده شده است. ضریب جینی در برزیل به صورت متناوب در ۱۳ دسامبر سالهای مختلف اخذ شده است.

^۱. Ross Schneider

^۲. Gini coefficient

سال	۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۰۷	۲۰۰۸	۲۰۰۹	۲۰۱۰	۲۰۱۱
ضریب جینی	۵۷,۶۰	۵۶,۵۰	۵۶,۳۰	۵۵,۶۰	۵۴,۹۰	۵۴,۰۰	۵۳,۷۰	-	۵۲,۹۰

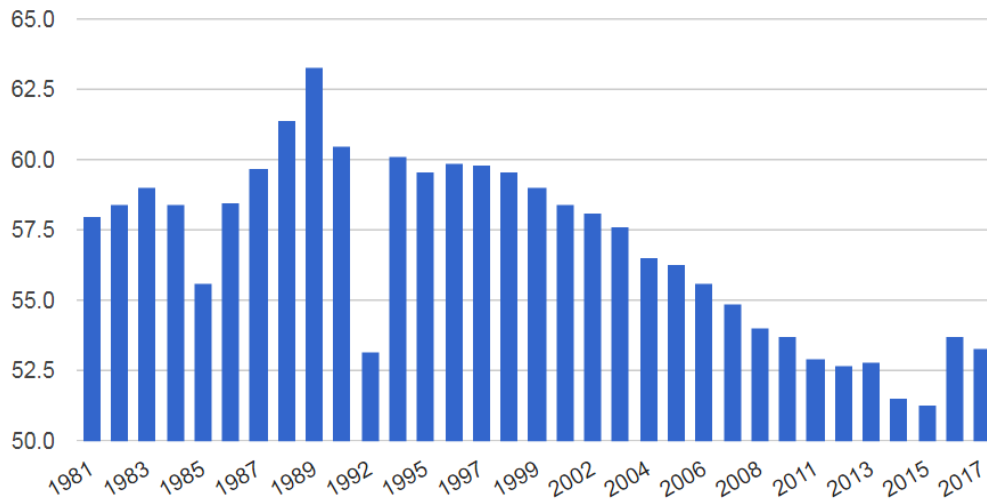
با توجه به آمار بالا مشاهده می شود که ضریب جینی در برزیل در سالهای ریاست جمهوری لولا داسیلوا از رقم ۵۷,۶۰ در سال ۲۰۰۳ با تغییری محسوس به ۵۲,۹۰ در سال ۲۰۱۱ رسیده است. در واقع بر اساس این آمار توزیع ثروت در این سالها عادلانه تر و اختلاف طبقاتی کمتر شده است. لازم به ذکر است براساس آخرین آمار بانک جهانی ضریب جینی برزیل در سال ۲۰۱۵ میلادی ۵۱,۳۰ بوده است. که نشان از کاهش مداوم این شاخص پس از پایان ریاست جمهوری لولا داسیلوا دارد. بر اساس آمار بالا ضریب جینی در ۸ سال دوره ریاست جمهوری لولا داسیلوا ۴,۷ واحد کاهش داشته است. کاهشی که در مقایسه با دیگر دوره های ریاست جمهوری برزیل قابل توجه می باشد.

پیش از لولا داسیلوا، فرناندو هنریک کاردوسو از ژانویه ۱۹۹۵ تا ژانویه ۲۰۰۳ به مدت ۸ سال به عنوان رئیس جمهور برزیل به عنوان بالاترین مقام اجرایی در برزیل مسئولیت دولت را بر عهده داشته است. در دوران ۸ ساله ریاست جمهوری کاردوسو ضریب جینی از رقم ۵۹,۶۰ در سال ۱۹۹۵ به رقم ۵۸,۱۰ در سال ۲۰۰۳ رسیده است. یعنی در دوران ۸ ساله کاردوسو ضریب جینی در برزیل تنها ۱,۵ واحد کاهش یافته است. در بازه زمانی ۸ ساله پیش از کاردوسو یعنی از سال ۱۹۸۷ تا ۱۹۹۵ سه نفر به نام های ژوزه سارنی (۱۹۹۰-۱۹۸۵)، فرناندو کلرد ملو (۱۹۹۰-۱۹۹۲)، ایتامار فرانکو (۱۹۹۲-۱۹۹۵) مسئولیت ریاست جمهوری برزیل را بر عهده داشته اند.

جدول - ضریب جینی در برزیل بین سالهای ۱۹۸۵ تا ۲۰۱۱

سال	۱۹۹۰	۱۹۹۲	۱۹۹۵	۲۰۰۳	۲۰۱۱
(آغاز دوره کلرد ملو)					
(آغاز دوره فرانکو)					
(آغاز دوره کاردوسو)					
(آغاز دوره لولا)					
(پایان دوره لولا)					
سن امید به زندگی و دوره سارنی)	۵۵,۶	۶۰,۵	۵۳,۲	۶۰,۱	۵۲,۹

در ادامه نمودار ضریب جینی برزیل بر اساس داده های موجود از سال ۱۹۸۰ تا ۲۰۱۸ آورده شده است .
(www.theglobaleconomy.com,2020)



نمودار شاخص ضریب جینی برزیل از سال ۱۹۸۱ تا ۲۰۱۸

۲-۳- گرسنگی

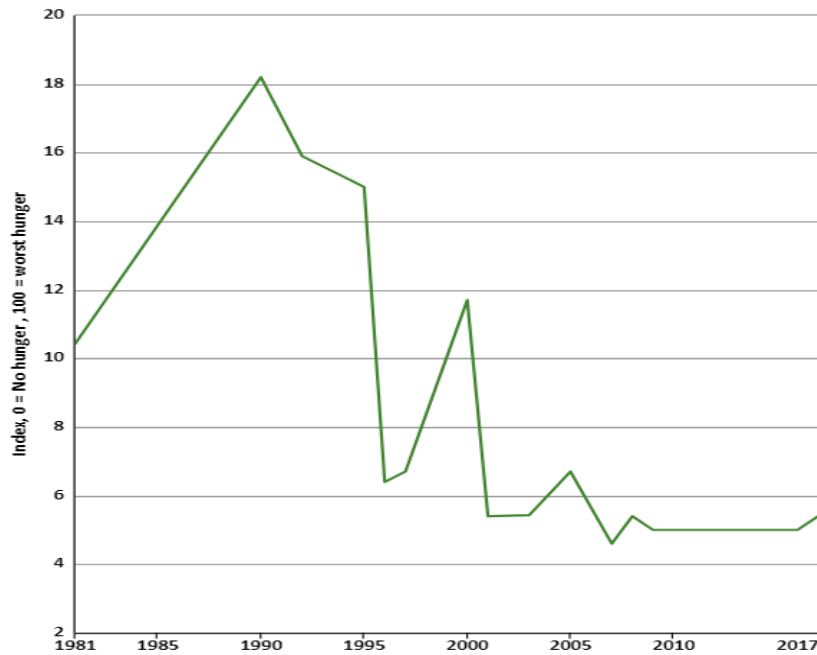
گرسنگی و عدم دسترسی به غذای کافی یکی از بدترین نشانه های فقر در جوامع است. مبارزه با گرسنگی یکی از سیاست های اصلی دولت ها، خصوصاً دولت های توسعه گراست. لولا داسیلوا در شعارهای انتخاباتی خود به صراحت به موضوع مبارزه با گرسنگی در برزیل پرداخته بود.

برای اندازه گیری میزان گرسنگی و فقر غذایی در کشورها شاخص جهانی گرسنگی^۱ تعریف شده و هر ساله توسط پژوهشگاه بین المللی سیاست گذاری غذایی^۲ محاسبه می شود. شاخص جهانی گرسنگی کشورها را بر اساس مقیاس صفر تا ۱۰۰ رتبه بندی می نماید. کشوری با شاخص صفر در حالت نبود گرسنگی و با امتیاز ۱۰۰ در بدترین حالت گرسنگی قرار دارد. (خیرخواهان، ۱۳۹۳)

در حال حاضر و بر اساس آخرین آمار سال ۲۰۱۷ میلادی شاخص گرسنگی در برزیل عدد ۵,۴۰ را نشان می دهد. این در حالیست که این رقم در سال ۱۹۹۰ در اوج خود یعنی عدد ۱۸,۲۰ قرار داشته است. در حالیکه شاخص گرسنگی در سال ۲۰۰۰ میلادی رقم ۱۱,۷۰ بوده است، در سال پایان ریاست جمهوری لولا داسیلوا به عدد ۵ رسیده است. در ادامه نمودار تغییر شاخص گرسنگی در برزیل در بین سالهای ۱۹۸۱ تا ۲۰۱۷ آورده شده است. (www.knoema.com, 2017)

^۱. Global Hunger Index

^۲. International Food Policy Research Institute (IFPRI)



۳-۳- سن امید به زندگی

امید به زندگی در بدو تولد، معرف متوسط سالهایی است که یک نوزاد زنده به دنیا آمده عمر خواهد کرد و این شاخص یکی از معیارهای ارزیابی وضعیت بهداشتی، اقتصادی و اجتماعی تلقی می شود. (فلاح زاده، الهام هادیان، ۱۳۸۵) بر اساس آخرین آمار موجود متوسط سن امید به زندگی در برزیل در سال ۲۰۱۶ میلادی ۷۵،۵۱ بوده است. در جدول زیر سن امید به زندگی در دوران ریاست جمهوری لولا داسیلوا آورده شده است.

جدول ۲- سن امید به زندگی بین سالهای ۱۹۸۵ تا ۲۰۱۱

سال	۱۹۸۵	۱۹۹۰	۱۹۹۲	۱۹۹۵	۲۰۰۳	۲۰۱۱
سال	(آغاز دوره)	(آغاز دوره کلمبر)	(آغاز دوره فرانکو)	(آغاز دوره کاردوسو)	(آغاز دوره لولا)	(پایان دوره لولا)
سن امید به زندگی	۶۴،۴	۶۶،۳۴	۶۷،۱۴	۶۸،۳۱	۷۱،۱۷	۷۳،۹۲

منبع: (data.worldbank.org, 2020)

با مراجعه به آمار فوق مشاهده می شود در حالیکه سن امید به زندگی در سال ۲۰۰۳ یعنی از آغاز ریاست جمهوری لولا ۷۱،۱۷ بوده است با رشد ۲،۷۵ واحدی به رقم ۷۳،۹۲ سال رسیده است.

۳-۴- تورم

در تعریفی ساده، متداول و مورد قبول اغلب اقتصاددانان تورم وضعیتی است که سطح عمومی قیمت‌ها به طور مداوم و به مرور زمان افزایش می‌یابد (عظیمی و دیگران، ۱۳۹۲: ۲۶) تورم یکی از مولفه‌هایی که به صورت مستقیم بر سطح زندگی اقشار مختلف جامعه تاثیر داشته و نشانه‌ای از وضعیت مطلوب یا نامطلوب اقتصادی یک کشور می‌باشد. در ادامه متوسط نرخ تورم سالیانه برزیل در بازه‌های چهارساله از ۱۹۸۰ تا ۲۰۱۱ آورده شده است

دوره‌ها و سال‌ها	متوسط تورم سالانه
۱۹۸۰-۱۹۸۴	۱۳۰
۱۹۸۵-۱۹۸۹	۷۷۴
۱۹۹۰-۱۹۹۴	۱۱۰۰
۱۹۹۵-۱۹۹۹	۱۹۰٫۱
۲۰۰۰-۲۰۰۳	۹٫۷
۲۰۱۱-۲۰۰۴	۹٫۴

۳-۵- تولید ناخالص داخلی^۱

تولید ناخالص داخلی مجموع ارزش‌هایی تمامی کالاها و خدماتی است که در یک بازه زمانی معین در داخل مرزهای یک کشور تولید شده‌اند (علوی، ۱۳۹۲: ۱۹۲). دستیابی به این شاخص عددی بسیار مهم است چرا که در صورتیکه نتوانید بسنجید که یک نظام اقتصادی چگونه عمل می‌کند نمی‌توان گفت که سیاست‌های یک دولت به منظور بهبود اوضاع اقتصادی مثمر ثمر است یا مخرب (فلین، ۱۳۹۴: ۳۱۰).

میزان تولید ناخالص برزیل می‌تواند به عنوان یکی از مولفه‌های سنجش موفقیت یا عدم موفقیت برنامه‌های لولا داسیلوا در دوران ریاست جمهوری اش مورد استفاده قرار گیرد. آخرین آمارهای صندوق بین‌المللی پول، تولید ناخالص داخلی برزیل را در سال ۲۰۱۷ میلادی، ۲,۰۵۴,۹۶۹ میلیارد دلار اعلام نموده است. با این میزان از تولید ناخالص داخلی، برزیل رتبه هشتم برترین اقتصادهای دنیا را کسب نموده است (imf, 2017). این در حالیست که تولید ناخالص داخلی برزیل در سال ۱۹۶۰ برابر با ۱۵۱۶۶ میلیارد دلار بوده است. از این تاریخ به بعد تولید ناخالص داخلی برزیل به مرور رشد نموده است. پیش از آغاز دوران ریاست جمهوری لولا در سال ۲۰۰۳، بالاترین میزان تولید ناخالص داخلی برزیل با میزان ۸۸۳۲۰۰ میلیارد دلار مربوط به دوران ریاست جمهوری کاردوسو در سال ۱۹۹۷ می‌باشد. در سال ۲۰۰۲ و قبل از پیروزی لولا در انتخابات تولید ناخالص داخلی برزیل ۵۰۷۹۶۲ میلیارد دلار بوده در سال ۲۰۰۳ میلادی و آغاز ریاست جمهوری وی تولید

ناخالص داخلی برزیل به رقم ۵۵۸۳۲۰ میلیارد دلار رسیده بوده است. تولید ناخالص داخلی برزیل در دوران ریاست جمهوری لولا داسیلوا رشد قابل توجه داشته است. رقم ۲۶۱۶۰۰۰ میلیارد دلاری تولید ناخالص داخلی برزیل در سال ۲۰۱۱، یعنی در سال پایانی ریاست جمهوری لولا بالاترین میزان در طول تاریخ این کشور است. نمودار زیر به وضوح این نکته را نشان می دهد:



نمودار ۱- تولید ناخالص برزیل بین سالهای ۱۹۶۰ تا ۲۰۱۵

بر اساس آمار صندوق بین المللی پول، در حالیکه پیش از ریاست جمهوری لولا داسیلوا در سال ۲۰۰۲ میلادی این کشور بر اساس تولید ناخالص داخلی در رتبه نهم اقتصاد جهان قرار داشته است در سال ۲۰۱۱ با دو پله ارتقا به رتبه هفتم رسیده است (imf, 2018). علاوه بر تولید ناخالص داخلی سیاست های اقتصادی لولا منجر به این شده که برزیل که در دهه ۸۰ میلادی به عنوان یکی از مقروض ترین کشورهای جهان شناخته می شد، برای اولین بار در سال ۲۰۰۸ به عنوان یک اقتصاد اعتباردهنده خارجی پا به عرصه اقتصاد بین الملل نهاد. در دوره ۸ ساله لولا، نرخ سرمایه گذاری خارجی برزیل افزایش قابل ملاحظه ای داشت. نرخ سرمایه گذاری خارجی برزیل در سال پایانی حضور لولا داسیلوا در قدرت با رشد قابل توجهی از رقم ۱۰،۱۲۳ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۳ به رقم ۱۰۲،۴۲۷ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۱ رسید. رقمی که به بالاترین میزان سرمایه گذاری خارجی در تاریخ برزیل رسید (worldbank, 2020). این مقدار در حدود ۳/۴ درصد از کل سرمایه گذاری خارجی مستقیم در جهان را در همین سال شامل می گردید. برنامه های اقتصادی لولا منجر به افزایش ذخائر ارزی و کاهش بدهی های خارجی و تقویت ثبات و رشد اقتصادی پایدار برزیل شد به طوری که در اثر این موفقیت های اقتصادی، لولا در پایان ریاست جمهوری خود در سال ۲۰۱۱ مقبولیتی ۸۷ درصدی داشت که در مقایسه با هر رئیس جمهور دو دوره ای دیگری نظیر کاردسو بسیار بالا بود. علاوه بر این موفقیت ها سیاست های اقتصادی لولا داسیلوا باعث افزایش ۱۳ درصدی جمعیت طبقه متوسط برزیل از ۳۷ درصد به ۵۰ درصد شد (رضایی، آجیلی، ۱۳۹۸: ۶۹).

۳-۶- شاخص توسعه انسانی در برزیل

شاخص توسعه انسانی می تواند تصویری واقعی و چند بعدی از وضعیت توسعه در برزیل نشان دهد. همانطور که اشاره شاخص توسعه انسانی در سال ۱۹۹۰ توسط برنامه توسعه سازمان پیشنهاد گردیده و در واقع آمار های مربوط به این شاخص به پس از سال ۱۹۹۰ باز می گردد. بر اساس آخرین آمار موجود از

شاخص توسعه انسانی کشور برزیل در سال ۲۰۱۵ میلادی ۰,۷۵۴ بوده که این کشور را در میان کشورهای دارای توسعه انسانی بالا و در رتبه ۷۹ جهان قرار داده است. این شاخص در سال ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷ میلادی به ترتیب به ارقام ۰,۷۵۸ و ۰,۷۵۹ رسیده است. این در حالیست که این شاخص در سال ۱۹۹۰ رقم ۰,۶۱۱ بوده است. در جدول زیر شاخص توسعه انسانی در سالهای دوران ریاست جمهوری لولا داسیلوا آورده شده است.

جدول ۶- شاخص توسعه انسانی برزیل بین سالهای ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۱

سال	۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۰۷	۲۰۰۸	۲۰۰۹	۲۰۱۰	۲۰۱۱
شاخص توسعه انسانی	۰,۶۹۵	۰,۶۹۸	۰,۷۰۰	۰,۷۰۲	۰,۷۰۵	۰,۷۱۶	۰,۷۱۸	۰,۷۲۷	۰,۷۳۱

منبع: (hdr.undp.org, 2019)

در واقع شاخص توسعه انسانی برزیل در دوران لولا داسیلوا ۰,۰۳۶ واحد رشد داشته است. همانطور که پیشتر اشاره شد برای شاخص توسعه انسانی چهار سطح کشورهای با توسعه انسانی بسیار بالا، بالا، متوسط و پایین تعریف شده است. بر اساس این طبقه بندی در دوران لولا داسیلوا و برای اولین بار کشور برزیل از سطح کشورهای با توسعه انسانی متوسط به سطح کشورهای با توسعه انسانی بالا ارتقا یافته است.

۳-۷- درآمد سرانه

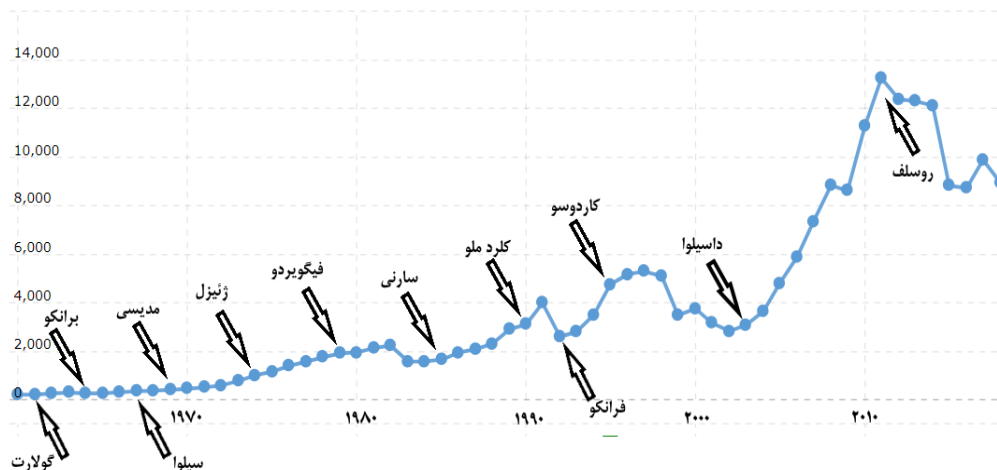
درآمد سرانه ملی به معنی میزان سهم هر شهروند از تولید ناخالص داخلی یک کشور است. برای بدست آوردن سرانه ملی کشورها، میزان تولید ناخالص داخلی بر جمعیت کشور تقسیم می شود. معنای ساده تر درآمد سرانه این است که به ازای هر نفر در یک کشور چه میزان درآمد وجود دارد. درآمد سرانه، یکی از شاخص های رفاه جامعه است و در شاخص های ترکیبی رفاه و توسعه نیز نقشی برجسته دارد. (محمدی، ۱۳۸۸: ۱۵۸)

بر اساس آخرین آمار موجود از درآمد سرانه کشور برزیل، درآمد سرانه این کشور در دسامبر ۲۰۱۸ برابر با ۸۹۵۹,۰۲۰ دلار بوده است. در حالیکه این شاخص در دسامبر ۲۰۱۷ برابر با ۹۹۲۸,۵۶۰ دلار بوده است. داده های درآمد سرانه برزیل به صورت سالانه از سال ۱۹۶۲ به بعد ارائه شده و در دسترس می باشد. بر اساس آمار موجود از سال ۱۹۶۲ تا ۲۰۱۹ کمترین و بیشترین درآمد سرانه مربوط به سالهای دسامبر ۱۹۶۲ و دسامبر ۲۰۱۱ به ترتیب با ارقام ۲۷۰,۴۸۰ دلار و ۱۳۲۹۸,۲۳۰ دلار بوده است. (www.ceicdata.com, 2019) بر اساس آمار بانک جهانی و سازمان همکاری و توسعه اقتصادی^۲ درآمد سرانه برزیل در بازه زمانی سالهای ۱۹۶۰ تا ۲۰۱۸ در سال ۲۰۱۱ میلادی با رقم ۱۳۱۶۷,۴۷ دلار به بالاترین حد و در سال ۱۹۶۱ با ۲۰۴,۹۳ دلار در پایین ترین سطح خود بوده است. (www.indexmundi.com, 2019)

در نمودار زیر درآمد سرانه برزیل از سال ۱۹۶۰ به بعد و بر اساس داده های جدول فوق آورده شده است. در این نمودار به تفکیک، سالهای آغاز ریاست جمهوری روسای جمهور برزیل مشخص شده است.

^۱ Per capita income

^۲ Organisation for Economic Co-operation and Development یا OECD

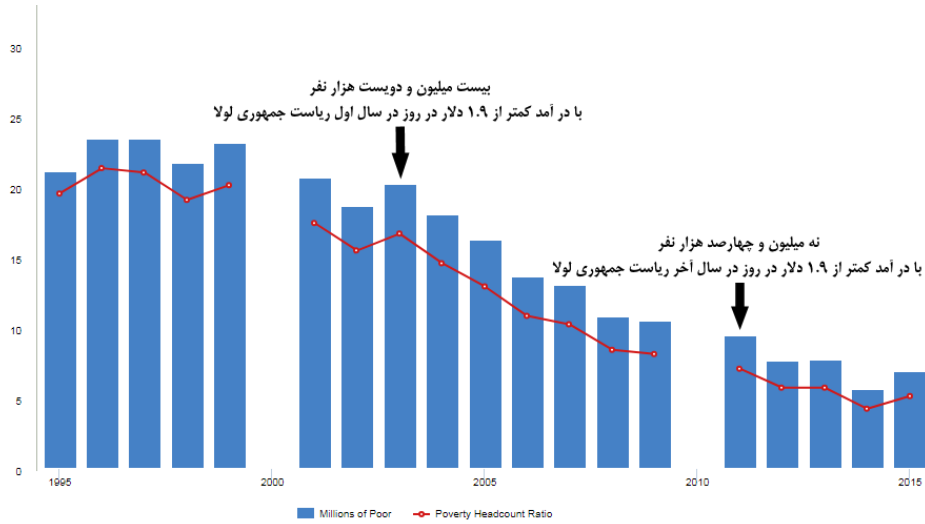


۳-۸- فقر در دوران لولا داسیلوا

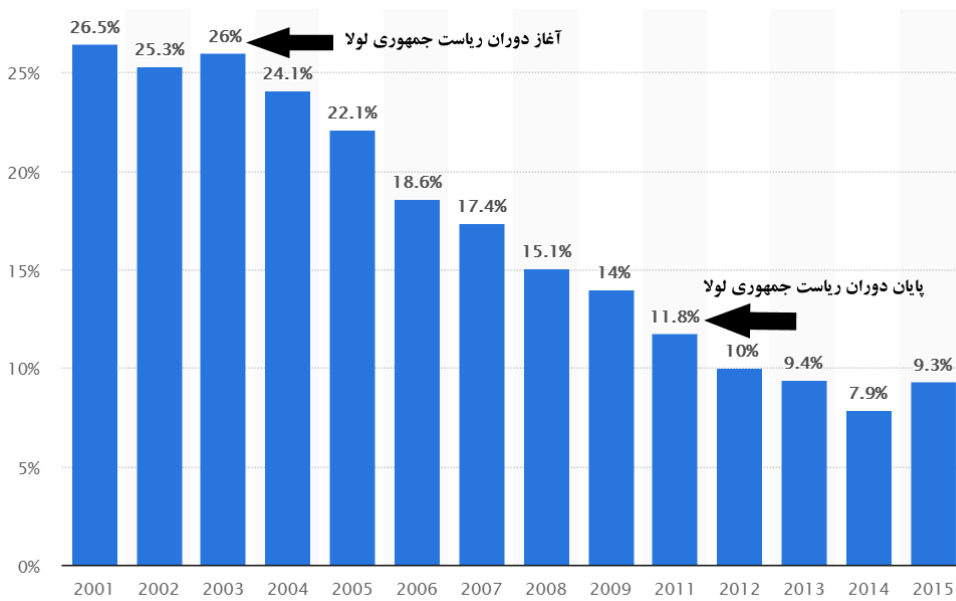
سیاست های اقتصادی دولت لولا داسیلوا تاثیر ملموس و مستقیمی بر کاهش تعداد و درصد فقرا داشته است. براساس آمار بانک جهانی و با معیار قرار دادن حداقل درآمد ۱,۹ دلار در روز در حالیکه در آغاز دوران ریاست جمهوری لولا در سال ۲۰۰۳ میلادی تعداد ۲۰ میلیون و ۲۰۰ هزار نفر از مردم برزیل درآمدی زیر خط فقر داشته اند، این رقم در سال ۲۰۱۱ به ۹ میلیون و ۴۰۰ هزار نفر تقلیل یافته است. کاهش محسوس تعداد فقرا با مراجعه به تعداد افراد با درآمد های روزانه حداقل ۳,۲۰ دلار و ۵,۵۰ دلار در دوران ریاست جمهوری لولا داسیلوا، نشان دهنده کاهش محسوس سطح فقر در برزیل می باشد. (povertydata.worldbank.org, 2019)

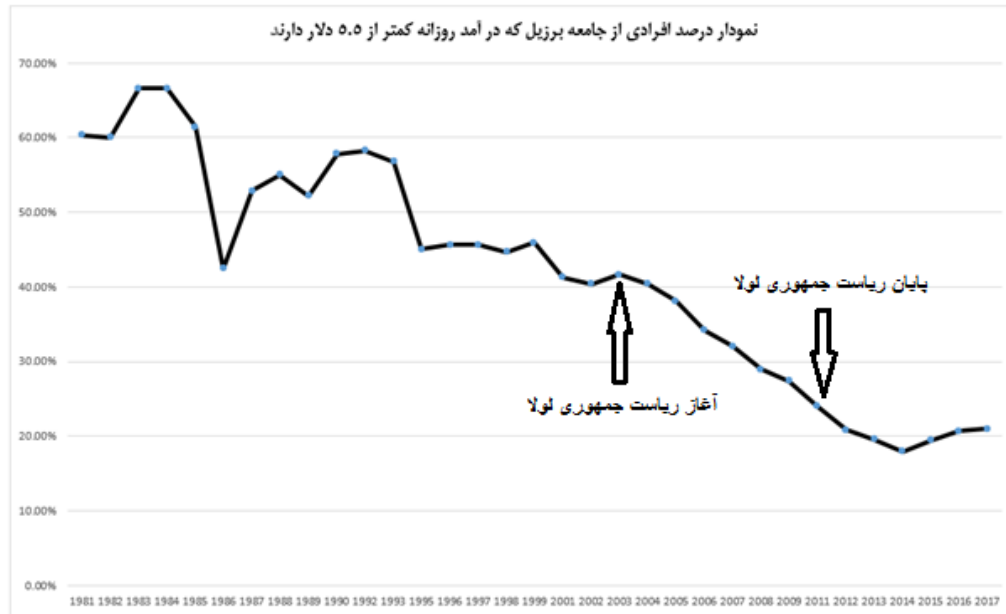
میزان تغییرات	سال ۲۰۱۱	سال ۲۰۰۳
تعداد افراد با حداقل درآمد ۱,۹ دلار در روز	۹ میلیون و ۴۰۰ هزار نفر	۲۰ میلیون و ۲۰۰ هزار نفر
تعداد افراد با حداقل درآمد ۳,۲۰ دلار در روز	۱۰ میلیون و ۳۰۰ هزار نفر	۴۲ میلیون و ۹۰۰ هزار نفر
تعداد افراد با حداقل درآمد ۵,۵۰ دلار در روز	۴۷ میلیون و ۷۰۰ هزار نفر	۷۶ میلیون و ۲۰۰ هزار نفر

بر اساس آمار بانک جهانی تعداد افرادی که روزانه درآمدی کمتر از ۱,۹۰ دلار در روز داشته اند در سال ۲۰۰۳ میلادی، ۲۰ میلیون و ۲۰۰ هزار نفر بوده است. این آمار در سال ۲۰۱۱، یعنی در آخرین سال حضور داسیلوا در قدرت با کاهش قابل توجهی به رقم ۹ میلیون و ۴۰۰ هزار نفر رسیده است. در ادامه نمودار تغییر تعداد افرادی که درآمدی کمتر از ۱,۹۰ دلار در روز داشته اند در بازه زمانی سالهای ۱۹۹۵ تا ۲۰۱۵ آورده شده است.



در ادامه نمودار تغییر درصد افرادی که درآمدی کمتر از ۳,۲ دلار در روز داشته اند در بازه زمانی سالهای ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۵ آورده شده است.





۴- سیاست های لولا داسیلوا

سیاست ها و برنامه ها اقتصادی و اجتماعی لولا داسیلوا عامل اصلی تغییر سطح زندگی و ارتقای شاخص توسعه انسانی و کاهش مشهود فقر در برزیل بوده است. وی در زمان به قدرت رسیدن سه هدف ریشه کنی گرسنگی، ایجاد اشتغال برای جوانان، برنامه جامع کاهش فقر را به عنوان اهداف جامع رفاه اجتماعی خود عنوان نمود (آرتین، ۱۳۸۹). لولا برای اجرای برنامه های جامع اقتصادی و اجتماعی خود، یک وزارتخانه مستقل تحت عنوان وزارت توسعه اجتماعی و مبارزه با گرسنگی ایجاد نمود و یک الگوی اقتصادی حمایتگرایی به نفع طبقات کارگری و توده های فقیر را به اجرا گذاشت (رضایی، آجیلی، ۱۳۹۸: ۶۵)

۴-۱- برنامه کمک هزینه خانواده^۱

برنامه کمک هزینه خانواده یا به زبان پرتغالی بلسا فامیلیا برنامه ای رفاهی و اجتماعی است. برنامه بلسا فامیلیا کمک مالی ای برای خانواده های فقیر برزیلی فراهم می نماید، بر اساس این برنامه خانواده هایی که کمک را دریافت می کنند باید تعهد بدهند که فرزندانشان در مدرسه حضور پیدا نموده و در مقابل بیماری ها واکسینه شوند. پرداخت ها در برنامه کمک هزینه خانواده منوط به حضور مستمر فرزندان در مدارس بوده و در صورت بیشتر شدن غیبت ایشان از حد مجاز، خانواده دانش آموز از این برنامه حمایت خانواده خارج شده و حمایت از آنها به حالت تعلیق در می آید. برنامه کمک هزینه خانواده تلاش می نمود تا با پرداخت مستقیم پول نقد، به صورت کوتاه مدت و به صورت دراز مدت با افزایش سرمایه انسانی در میان فقرا از طریق انتقال مشروط پول نقد، فقر را کاهش دهد. در چارچوب این طرح، دانش آموزان در مدارس دولتی یک وعده غذای رایگان در روز می خورند. در مناطق فقیر و محروم، دانش آموزان دو وعده غذای رایگان دریافت می کنند. (Bolsa Família Program, 2012). نشریه اکونومیست در سال ۲۰۰۸ و پس از آشکار شدن نشانه های موفقیت

^۱. Ministry of Social Development and Fight against Hunger

^۲. Bolsa Familia

این طرح، بلسا فامیلیا را به عنوان طرح ضد فقر اختراع شده در آمریکای لاتین که قابل اجرا در سراسر جهان می باشد معرفی نموده است. (economist,2008). بلسا فامیلیا در زمان شروع اجرایش بزرگترین برنامه پرداخت پول نقد مشروط در جهان بود (Bolsa Família,2007). برنامه بلسا فامیلیا به عنوان یکی از عوامل کاهش فقر در برزیل شناخته می شود، یعنی کاهش ۲۷،۷ درصدی در دوره اول ریاست جمهوری لولا داسیلوا. (Brandão,2007) بر اساس مطالعه ی مرکز مطالعات سیاسی بنیاد گتولیو وارگاس در سال ۲۰۰۶، تعداد افراد فقیر در برزیل بین سال های ۲۰۰۳ و ۲۰۰۵ کاهش محسوسی نموده است (terra,2006) و حدود ۱۲ میلیون خانواده برزیلی کمک مالی از بلسا فامیلیا دریافت نموده اند (Duffy,2010). تا فوریه ۲۰۱۱، ۲۶ درصد از جمعیت برزیل تحت پوشش این برنامه بود (Provost,2011). سابقه برنامه بلسا فامیلیا به برنامه کمک هزینه مدرسه^۱ باز می گردد. برنامه کمک هزینه مدرسه با پیش قدمی کریستوام بوارک فرماندار ناحیه فدرال برزیل بین سالهای ۱۹۹۵ تا ۱۹۹۹ و سناتور این ایالت در سال ۲۰۰۳ و وزیر آموزش دولت اول لولا بین سالهای ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۴ پایه گذاشته شد. مدت زمان کمی بعد، دیگر شهرداری ها و ایالت ها برنامه های مشابه را تصویب کردند. رئیس جمهور فرناندو کاردوزو بعدا این برنامه را به یک برنامه فدرال تبدیل نمود. در سال ۲۰۰۳ میلادی لولا داسیلوا با ترکیب نمودن برنامه کمک هزینه مدرسه با برنامه سبد غذایی^۲ و کارت غذایی^۳ (همه قسمت هایی از برنامه گرسنگی صفر لولا داسیلوا) و کمک گازی^۴ (انتقال گاز برای جبران پایان دادن به یارانه های گاز فدرال) برنامه کمک هزینه خانواده را ایجاد نمود. در کوتاه مدت هدف برنامه بلسا فامیلیا، کاهش مشکلات ناشی از فقر و در بلند مدت سرمایه گذاری بر روی سرمایه انسانی و قطع نمودن چرخه فقر میان نسلی است. بلسا فامیلیا به خانواده هایی با درآمد سرانه ماهیانه کمتر از ۱۴۰ رئال برزیل (خط فقر، \$ ۵۶ USD) مبلغ ماهانه ۳۲ رئال برزیل (۱۳ دلار آمریکا) به هر کودک واکسینه شده زیر ۱۶ ساله که در مدرسه حضور یابد (حداکثر ۵ نفر)، و ۳۸ رئال برزیل (معادل ۱۵ دلار) برای هر جوان (۱۶ یا ۱۷ ساله) که در مدرسه حضور یابد (حداکثر تا دو نفر). علاوه بر این، به خانواده هایی که درآمد ماهانه سرانه کمتر از ۷۰ رئال برزیل (خط فقر شدید، \$ ۲۸ دلار)، این برنامه مزایای اساسی ۷۰ رئال برزیل در هر ماه می دهد (Decree, ۲۰۱۲). این پول از طریق به اصطلاح کارتهای شهروندی که به خانواده داده می شود، به سرپرست زن خانوار پرداخت می شود تاکید بر زنان و اینکه تا آنجا که ممکن است یارانه به زنان خانواده تعلق می گیرد، از اصلی ترین جنبه های نظام پرداخت یارانه نقدی در برزیل بود. در این قانون تاکید شده بود که زنان قابل اعتمادتر هستند. به همین دلیل برای آنکه یارانه نقدی پرداختی در مسیر درست هزینه شود، یارانه توسط دولت به زنان خانواده تعلق می گیرد. این کارت مانند کارت اعتباری عمل می کند و توسط بانک پس انداز فدرال^۵ که یک بانک پس انداز بزرگ و دومین بانک بزرگ دولتی برزیل است صادر می شود. این پول را می توان در بیش از ۱۴،۰۰۰ صندوق در سطح کشور برداشت نمود. این روش کمک می کند تا فساد به واسطه دریافت پول از احزاب و سیاستمداران است و یک مشکل قدیمی در برزیل است کاهش یابد (Lindert,2007). بلسا فامیلیا با ایجاد یک برنامه تحت کنترل حکومت اجرایی ملی، هرج و مرج درونی بوروکراتیک را حل کرد و کاهش هزینه های اداری و دسترسی به مردم شد. نظرسنجی های انجام شده

^۱. Bolsa Escola

^۲. Cristovam Buarque

^۳. Bolsa Alimentação

^۴. Cartão Alimentação

^۵. Caixa Econômica Federal

توسط دولت فدرال در میان ذینفعان نشان می دهد که پول دریافت شده به ترتیب برای مواد غذایی، لوازم مدرسه، لباس و کفش مصرف شده است. یک مطالعه انجام شده توسط دانشگاه فدرال پیرامبوکو در میان افرادی که در مناطق روستایی زندگی می کنند، نشان می دهد که ۸۷ درصد از پول دریافت شده برای خرید مواد غذایی استفاده می کردند. (Lindert, 2006). پل ولفوویتز^۱، رئیس وقت بانک جهانی، طی سفری که به برزیل در سال ۲۰۰۵ داشت ضمن تمجید از این طرح، بلسا فامیلیا را به عنوان یک مدل قابل ستایش از سیاست های اجتماعی مؤثر معرفی نمود و تاکید کرد که دولت های مختلف جهان ضمن استفاده از این تجربه برزیل بدنبال تولید برنامه های مشابه برای کشورهای خود هستند. بر اساس تحقیقاتی که توسط برخی از دانشگاه ها و موسسه جغرافیا و آمار برزیل (IBGE) انجام شده است، این برنامه به وضوح به بهبود در مبارزه با فقر در برزیل کمک کرده است. طی هشت سالی که لولا داسیلوا رئیس جمهور برزیل بود، تقریباً ۲۰ میلیون نفر که در ۱۰۰ سال اخیر در فقر شدیدی زندگی میکردند از این فقر شدید رهایی یافتند (آرتین، ۱۳۸۹). یک مطالعه مرکز سیاست بین الملل برای رشد فراگیر^۲ برنامه عمران ملل متحد^۳ نشان داد که بیش از ۸۰ درصد از مزایای بلسا فامیلیا به خانواده های فقیر (که کمتر از نصف حداقل دستمزد سرانه را دارند) می رسد، در واقع بر اساس این پژوهش اکثر مزایای طرح به فقرا می رسد (ipc-undp, 2019). طرح پرداخت یارانه نقدی در برزیل با محوریت بهبود وضعیت آموزش و بهداشت، آنچنان موفق بوده که شهردار پیشین نیویورک زمانی تصمیم گرفت با الگوبرداری از نظام برزیل، طرحی مشابه را در نیویورک به اجرا بگذارد. مایکل بلومبرگ می خواست پرداخت یارانه نقدی به صورت هدفمند و با محوریت تشویق آموزش را در نیویورک اجرا کند اما موفق نشد.

بلسا فامیلیا عامل حدود ۲۰ درصد کاهش نابرابری در برزیل از سال ۲۰۰۱ می باشد. تحقیقاتی که توسط بانک جهانی انجام شد نشان داد که در میان کودکانی که از برنامه بلسا فامیلیا بهره مند شده اند کاهش قابل توجهی در استثمار کودکان کار به وجود آمده است (Yoon-Tien, 2001). یک اثر مثبت برنامه که بلافاصله آشکار شد، تأثیر قابل توجه بر تغذیه فقیرترین خانواده ها بود. کودکان در مدارس دولتی روزانه یک وعده و در مناطق فقیرتر دو وعده غذایی رایگان دریافت می کنند، که خود نوعی کمک به کاهش هزینه خانواده های فقیر می باشد. در یک بررسی از افراد تحت پوشش بلسا فامیلیا مشخص شد تغذیه ۸۲,۴ این افراد بهتر شده است؛ علاوه بر آن درآمد خانواده های فقیر حدود ۲۵٪ افزایش یافته است (ipfs, 2019). این برنامه بلسا فامیلیا در کاهش نسبی فقر مطلق، بهبود جزئی در نابرابری درآمدی و افزایش حضور بیشتر بچه ها در مدرسه نقش مهمی داشت. روت ۱۳۹۷، ۱۴۵)

برنامه کمک هزینه خانواده سه حوزه اصلی را دربرمیگرفت:

۱. انتقال و پرداخت مالی (تلاش برای برداشتن بار فقر شدید از دوش خانواده های برزیلی)
۲. فاکتورهای مشروط (تقویت دسترسی به حقوق اجتماعی اساسی در مسائل مربوط به آموزش، بهداشت و کمکهای اجتماعی)
۳. برنامه های تکمیلی (تمرکز بر پیشرفت خانواده در آینده، جهت رها شدن از موقعیت آسیب پذیر)

^۱. Paul Wolfowitz

^۲. International Policy Centre for Inclusive Growth

^۳. United Nations Development Programme

مدیریت بلسا فامیلیا غیرمتمرکز بوده و به صورت اشتراکی میان دولت، اتحادیه‌ها و شهرداریها تقسیم شده بود صورت میگرفت. برخی از مشخصه‌های برنامه کمک هزسنه خانواده عبارت است از:

۱. اجرای برنامه کمک هزینه خانواده در برزیل معطوف به آینده (با هدف کاهش فقر و نابرابری) بوده است.
۲. برنامه کمک هزینه خانواده در برزیل غیرمتمرکز بوده و همین عدم تمرکز به موفقیت آن منجر شده است
۳. برنامه کمک هزینه خانواده در برزیل گروههای خاصی را در جامعه که آسیب پذیرند هدف گرفته است و این طرح به هیچ وجه شامل طبقات متوسط و متوسط به بالا نیست. برنامه کمک هزینه خانواده فقط در پرداخت کمکهای مالی خلاصه نمی شود و حوزه های سلامت و آموزش را نیز دربرمیگیرد.

برنامه کمک هزینه خانواده نقشی کلیدی در کاهش فقر و نابرابری از یک طرف و افزایش فرصتهای کاری و تحصیلی برای طبقات محروم و پایین برزیل داشته است. در واقع بلسا فامیلیا توانست که به شکل ملی، خدمات اجتماعی وسیعی را در برزیل ارائه کند و منابع حاصل از توسعه اقتصادی را در میان جمعیت آسیب پذیر این کشور توزیع کند. به همین دلیل برنامه گسترده بلسا فامیلیا در پیوندی عمیق با توسعه اقتصادی این کشور بوده است و نمیتوان به توسعه اقتصادی چشمگیر این کشور جدا از برنامه های اجتماعی آن پرداخت. در واقع برنامه کمک هزینه خانواده در برزیل تحولی عظیم ایجاد کرده و اجازه نداده است این کشور همانند عمده کشورهای در حال توسعه، اجرای برنامه های مربوط به رشد اقتصادی در آن به افزایش نابرابری اقتصادی و در نتیجه ایجاد شکافهای عمیق در این کشور منجر شود.

۴-۲- برنامه مبارزه با گرسنگی

برنامه گرسنگی صفر در سال ۲۰۰۳ و پس از پیروزی لولا در انتخابات توسط وی معرفی گردید و هدف آن ریشه کن کردن گرسنگی و فقر شدید در برزیل بود. این برنامه توسط وزارت توسعه اجتماعی و مبارزه با گرسنگی^۱ به اجرا در آمده و قصد داشت تا استراتژی دولت را برای تضمین حق دسترسی به غذاهای اساسی اجرا کند. برنامه هایی مانند کمک مالی مستقیم به فقیرترین خانواده ها، ایجاد مخازن آب در مناطق نیمه خشک برزیل، ایجاد رستوران های ارزان، آموزش مردم در مورد عادات سالم غذایی، توزیع ویتامین ها و مکمل آهن، حمایت از معیشت خانواده های کشاورز با دسترسی به وام های کوچک اقداماتی بود در قالب برنامه مبارزه با گرسنگی به اجرا درآمد. برنامه گرسنگی صفر بزرگترین ابتکار دولت برزیل برای مبارزه با گرسنگی در تاریخ برزیل می باشد که بر اساس برنامه های مشابه دولت های قبلی برنامه ریزی شد و به اجرا در آمد. بر اساس نتایجی که برخی از دانشگاهها و موسسه جغرافیا و آمار برزیل^۲ (IBGE) انجام داده اند، این برنامه به مبارزه علیه فقر در برزیل کمک کرده است (RUBIO, 2003). برای اندازه گیری میزان گرسنگی و فقر غذایی در کشورها شاخص جهانی گرسنگی^۳ تعریف شده و هر ساله توسط پژوهشگاه

^۱ Ministry of Social Development and Fight against Hunger

^۲ Brazilian Institute of Geography and Statistics (IBGE)

^۳ Global Hunger Index

بین المللی سیاست گذاری غذایی^۱ محاسبه می شود. این شاخص از ترکیب نماگر سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحده که هر ساله درباره میزان کم غذایی منتشر می گردد و نماگرهای کم وزنی و مرگ و میر کودکان زیر پنج سال بدست می آید. این شاخص ماهیت چند بعدی گرسنگی به طور مناسبی نشان می دهد. شاخص جهانی گرسنگی کشورها را بر اساس مقیاس صفر تا ۱۰۰ رتبه بندی می نماید. کشوری با شاخص صفر در حالت نبود گرسنگی و با امتیاز ۱۰۰ در بدترین حالت گرسنگی قرار دارد (خیرخواهان، ۱۳۹۳). در حال حاضر و بر اساس آخرین آمار سال ۲۰۱۷ میلادی شاخص گرسنگی در برزیل عدد ۵،۴۰ را نشان می دهد. این در حالیکه در سال ۱۹۹۰ در اوج خود یعنی عدد ۱۸،۲۰ قرار داشته است. در حالیکه شاخص گرسنگی در سال ۲۰۰۰ میلادی رقم ۱۱،۷۰ و در سال آغاز ریاست جمهوری لولا رقم ۵،۴۳ بوده است. این شاخص در سال پایان ریاست جمهوری لولا داسیلوا به عدد ۵ رسیده است (knoema, 2017). این تغییر محسوس شاخص گرسنگی نشان می دهد برنامه های لولا داسیلوا در مبارزه با گرسنگی با موفقیت همراه بوده است.

۴-۳- برنامه رشد پرشتاب^۲

برنامه رشد پرشتاب که بیشتر با عنوان PAC شناخته می شود، یک برنامه زیربنایی اصلی دولت فدرال برزیل است. این برنامه در تاریخ ۲۸ ژانویه ۲۰۰۷ توسط دولت لولا داسیلوا آغاز شد و شامل مجموعه ای از سیاست های اقتصادی و پروژه های سرمایه گذاری در حوزه های بهداشت، مسکن، حمل و نقل، انرژی و منابع آب با هدف تسریع رشد اقتصادی در برزیل بود. این برنامه دارای بودجه ۵۰۳،۹ میلیارد رئال برزیل برای دوره چهار ساله ۲۰۰۷-۲۰۱۰ بود. دولت دیلما روسف برنامه تحت نام PAC-2 را ادامه داده است. برنامه رشد پرشتاب، سرمایه گذاری های دولت فدرال، شرکت های دولتی و بخش خصوصی را در زمینه ساخت و ساز، بهداشت، مسکن، حمل و نقل، انرژی، حمل و نقل و لجستیک پیش بینی نموده بود (RIBEIRO, 2012). اهداف برنامه رشد پرشتاب عبارتند از:

- سرعت بخشیدن به رشد اقتصادی
- افزایش اشتغال و درآمد
- کاهش نابرابری های اجتماعی و منطقه ای
- تقویت کردن پایه های کلان اقتصادی

اقدامات برنامه رشد پرشتاب در پنج بلوک مختلف سازماندهی شده اند:

- ۱- اعتبار و انگیزه های مالی
- ۲- ارتقا فضای سرمایه گذاری: از بین بردن موانع
- ۳- بهسازی سیستم مالیاتی
- ۴- اقدامات مالیاتی بلند مدت
- ۵- سرمایه گذاری در حوزه زیرساخت

^۱. International Food Policy Research Institute (IFPRI)

^۲. Growth Acceleration Program-Programa de Aceleração do Crescimento (PAC)

این برنامه در مرحله اول (۲۰۰۷-۲۰۱۰) به صورت مشهود در افزایش عرضه مشاغل و تولید درآمد در برزیل موثر بود. در حالیکه نرخ بیکاری در سال ۲۰۰۳ یعنی در سال آغازین دولت لولا داسیلوا رقم ۱۲,۶ بوده است در سال پایانی دولت هشت ساله وی یعنی در سال ۲۰۱۱ به رقم ۶,۰ کاهش یافته است (IBGE, 2015).

۴-۴- سیاست های اشتغال

اصلی ترین سیاست های برزیل جهت ساماندهی و ایجاد اشتغال پایدار شامل موارد زیر می باشد:

- استراتژی صحیح توسعه صنعتی و حمایت هوشمند
- نقش فعال دولت در تغییر ساختار اقتصاد با تأکید بر رشد تولید کارخانه‌ای
- کمک به ایجاد و رشد شرکت های بزرگ
- اصلاح ساختار انگیزشی (مجموعه‌ای از سیاست‌ها را برای تشویق فعالیت بنگاه‌های تولیدی و کمک به رشد صنعتی مانند پرداخت وام و معافیت مالیاتی تا حمایت مشاوره)
- ایجاد ساختار مشارکتی و دموکراتیک (ساختار نظم مشارکتی که امکان نقش آفرینی بخش بیشتری از مردم را به نحو ساده و کم هزینه فراهم می کند)

با آغاز ریاست جمهوری لولا، سیاست‌های دولت در زمینه حمایت از شرکتهای داخلی و افزایش رشد اقتصادی با شدت پیگیری شد. این سیاست ها ریشه در تصمیم وزارت علم، تکنولوژی و نوآوری^۱ در سال ۱۹۹۷ داشت. این وزارت در سال ۱۹۹۷ شروع به تدوین سیاست‌های نوین در عرصه نوآوری و صنعت کرد و حمایت از شرکتهای داخلی به منظور توسعه تکنولوژی نمود. چارچوب توسعه ای جدیدی که از سال ۲۰۰۴ در برزیل به اجرا گذاشته شد شامل موارد ذیل بود:

- نگهداری و تثبیت فرآیندهای دموکراتیک که احترام به قراردادها و شفافیت در معاملات بخش عمومی را از سوی نهادهای ذیربط تضمین میکند
- ثبات اقتصاد کلان، که خود شامل سه مؤلفه اصلی هدفگذاری تورم، انعطاف پذیری نرخ های مبادله ارز و مسئولیت پذیری مالی
- لحاظ کردن مؤلفه های اقتصادی و اجتماعی که به تثبیت مصرف داخلی گسترده منجر میشود
- تحریک سرمایه گذاری به ویژه در حوزه هایی مانند زیرساخت و آموزش که به شکل نظام مندی توان رقابتی و رفاه را افزایش میدهد.

در سال ۲۰۰۳ دولت برنامه جدید «سیاست صنعتی، تکنولوژی و تجارت خارجی»^۲ را اعلام کرد. این برنامه دو هدف کلی را دنبال میکرد که عبارت بودند از:

- افزایش توان رقابت صنعتی از طریق توسعه تکنولوژی در بخش های کلیدی (نیمه هادی، نرم افزار، دارو، کالاهای سرمایه ای) که به صادرات کالاهای با ارزش افزوده بالا منجر شود.

^۱. Ministry for Science, Technology, and Innovation (MCTI)

^۲. Industrial, Technology and Foreign Trade Policy (PITCE)

- توسعه علم و تکنولوژی و تدوین قوانین لازم به ویژه در زمینه هایی مانند بیوتکنولوژی، نانو تکنولوژی، انرژی تجدیدپذیر برای به دست آوردن فرصت در صنایعی مانند نفت و گاز، کشاورزی و دارو.

دو نهاد برزیل یعنی آژانس توسعه صنعتی برزیل و شورای توسعه صنعتی متشکل از ۲۳ وزیر، رئیس بانک توسعه برزیل و ۱۴ نماینده از بخش صنعت نهادی مأمور شدند که اقدامات لازم در جهت اجرای برنامه جدید را انجام دهد. حمایت های مالی فراوانی نیز از این برنامه ها صورت گرفت. این تأمین مالی ها نقش مهمی در تأمین مالی تحقیقات صنعتی کاربردی، تجاری سازی نوآوری ها و تحقیقات کاربردی ایفا کردند، برنامه بعدی در سال ۲۰۰۸ و با عنوان «سیاست توسعه تولیدی»^۱ و به همراه «سیاست تسریع رشد»^۲ به اجرا گذاشته شد. سیاست توسعه تولید با توجه به چهار چالش و با اهدافی معین تعریف شده بود که عبارت بودند از:

- ۱- تقویت دوران رشد به وسیله حفظ رشد تشکیل سرمایه ثابت خالص بیش از رشد تولید ناخالص ملی
- ۲- ارتقا و تنوع بخشی به سبد صادراتی
- ۳- تقویت سرمایه گذاری در تکنولوژی و نوآوری
- ۴- تجدید ساختار سیستم صنعتی و حمایت از شرکتهای کوچک و متوسط همچنین صنایع ملی پیشران.

تأمین مالی بانک توسعه برزیل این امکان را فراهم آورد که تشکیل سرمایه ثابت خالص به ۲۱ درصد در سال ۲۰۱۰ برسد. این بانک همچنین کمک بزرگی به شرکتهای برزیلی برای کسب سهم در بازار کرد. در مطالعه ای که فراز و همکارانش در رابطه با این بانک انجام داده اند به این نکته اشاره می شود که این بانک به تنهایی قریب به دوسوم وام های بلندمدت کشور را پرداخت کرده است. در این دوران در ادامه روند خصوصی سازی که از دوره قبل آغاز شده بود و همچنین اصلاح ساختار نهادی کشور در زمینه سیاسی و اقتصادی تحولات گوناگونی در بنگاههای تجاری به ویژه گروههای چند کسب و کاری روی داد. (نیکونستی، اشرفی، ۱۳۹۷: ۵۷-۵۵)

همانطور که در نمودار و جدول زیر مشاهده می شود در حالی که نرخ بیکاری در آغاز ریاست جمهوری لولا داسیلوا ۹,۹۹ درصد بوده است در پایان دوران ریاست جمهوری هشت ساله وی با کاهش سه واحدی به رقم ۶,۹۲ رسیده است. که نشان از موفقیت سیاست اشتغالزایی لولا داسیلوا در دوران ریاست جمهوری و کاهش فقر دارد.

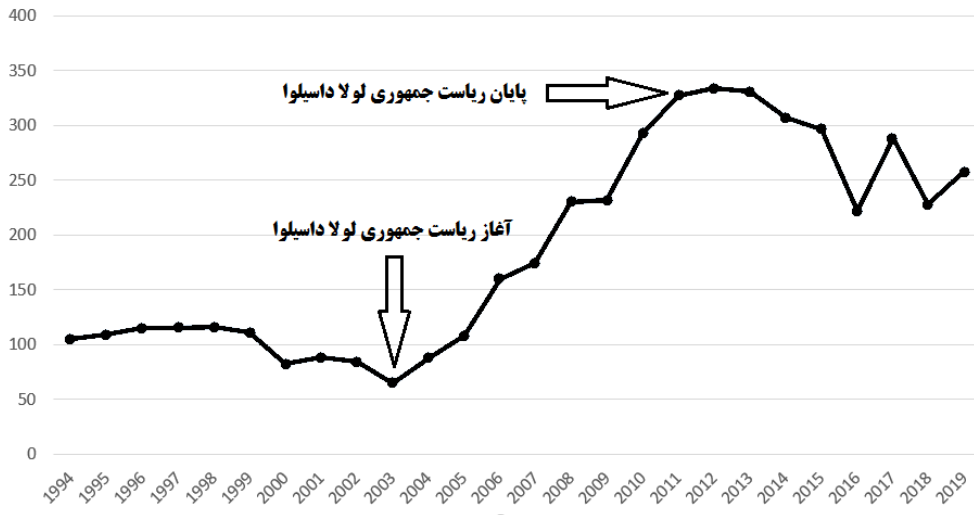
^۱ Brazilian Industrial Development Agency (ABDI)
^۲ Productive Development Policy (PDP)



منبع: data.worldbank.org

علاوه بر ایجاد شغل و کاهش بیکاری، حداقل دستمزد کارگران نیز در دوران لولا تغییر ملموسی داشته است. در ادامه نمودار میزان حداقل دستمزد در برزیل در بازه زمانی ۱۹۹۴ تا ۲۰۱۹ آورده شده است که نشان از رشد قابل توجه حداقل دستمزد در برزیل در دوران ریاست جمهوری لولا داسیلوا دارد.

نمودار حداقل دستمزد در برزیل از سال ۱۹۹۴ تا ۲۰۱۹



منبع: countryeconomy.com

لولا داسیلوا با تشکیل یک دولت توسعه گرا و تعریف برنامه های هدفمند اقتصادی و اجتماعی توانست بخش زیادی از مردم برزیل را از زیر خط فقر خارج نموده و به سطح زندگی متوسط ارتقا دهد. برنامه هایی مانند برنامه های سبد خانواده، مبارزه با گرسنگی، برنامه رشد پرشتاب، سیاست های اشتغال زایی و... در کنار تاثیر ملموسی که بر توسعه انسانی برزیل داشته است، فقر مطلق و نسبی برزیل را به میزان ملموسی کاهش داده است. برنامه سبد خانواده یا بلسا فامیلیا و برنامه مبارزه با گرسنگی علاوه بر مبارزه با فقر، ارتقا سطح زندگی و بالابردن سن امید به زندگی با توجه به تاکیددی که بر لزوم تحصیل فرزندان خانواده های تحت پوشش خود داشت، زمینه ساز بالابردن سطح دسترسی به دانش و سواد در جامعه برزیل خصوصا در میان اقشار فقیر و کم درآمد شد. این برنامه به طور چشم گیری تعداد فقرای برزیلی را کاهش داد و تاثیر مشهودی بر پیشرفت آموزش، رشد کودکان، مصرف مواد غذایی و کیفیت رژیم غذایی مردم برزیل، خصوصا فقرا داشت. سیاست های وی زمینه ساز کاهش فاصله طبقاتی و ایجاد عدالت اجتماعی شد. ضریب جینی در برزیل در سالهای ریاست جمهوری لولا داسیلوا از رقم ۵۷،۶۰ در سال ۲۰۰۳ با تغییری محسوس به ۵۲،۹۰ در سال ۲۰۱۱ رسیده است. در واقع بر اساس این آمار توزیع ثروت در این سالها عادلانه تر و اختلاف طبقاتی کمتر شده است. برنامه رشد پرشتاب نیز همانطور که در اهداف چهارگانه آن پیش بینی شده بود، علاوه بر کاهش محسوس بیکاری در برزیل نقش موثری در سرعت بخشیدن به رشد اقتصادی، افزایش اشتغال و درآمد، کاهش نابرابری های اجتماعی و منطقه ای و تقویت پایه های کلان اقتصادی برزیل داشت. بر اساس آمار صندوق بین المللی پول، در حالیکه پیش از ریاست جمهوری لولا داسیلوا در سال ۲۰۰۲ میلادی این کشور بر اساس تولید ناخالص داخلی در رتبه نهم اقتصاد جهان قرار داشته است در سال ۲۰۱۱ با دو پله ارتقا به رتبه هفتم رسیده است. در مجموع دوران ریاست جمهوری لولا داسیلوا یکی از بهترین دورانهای سیاسی و اقتصادی برزیل بوده است. افزایش حدود سه برابری تولید ناخالص داخلی و سرانه تولید ملی، افزایش ذخایر ارزی برزیل در حدود سه برابر و افزایش دو برابری ارزش پول برزیل برخی از این دستاوردهاست در واقع لولا داسیلوا با اتکا به برنامه های هدفمندی که در قالب دولت توسعه گرای خود به اجرا درآورد توانست گام بلندی در راستای توسعه همه جانبه و کاهش فقر برزیل بردارد.

منابع:

- افشارکهن، جواد، (تابستان ۱۳۸۸)، ((دولت و توسعه: نقد و بررسی کتاب «توسعه دولت محور»))، سیاست - مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۹، شماره ۲؛ از صفحه ۳۷۳ تا صفحه ۳۸۱.
- اکبری، محمدرضا، (۶/۲۷/۱۳۹۶)، ((از شاخص توسعه انسانی چه می دانیم؟))، روزنامه دنیای اقتصاد، شماره ۴۱۴۷.
- اونز، پیتر، زندباف، عباس، مخبر، عباس، (۱۳۸۰)، توسعه یا چپاول: نقش دولت در تحول صنعتی، طرح نو زبان.
- آرتین، (۱۳۹۲/۳/۸)، ((گزارش از روند رشد اقتصادی برزیل، لولا داسیلوا قهرمان مبارزه با بی عدالتی))، روزنامه ایران،

- آقا محمد زنجانی، مهدی، مقیسه، محسن، (شهریورماه ۱۳۹۷)، ((الگوی راهبردی حمایت از تولید، تجربه دولت برزیل))، دفتر مطالعات اقتصادی معاونت پژوهش‌های اقتصادی، کد موضوعی: ۲۲۰، شماره مسلسل: ۱۶۰۵۴
- تودارو، مایکل، (۱۳۹۱)، توسعه اقتصادی در جهان سوم، غلامعلی فرجاد، کوهسار
- تیموری، سیدرحیم، (آذر ۱۳۹۷)، فراسوی دولتهای توسعه‌گرا: تحلیل جامعه‌شناختی بر پیدایی دولت توسعه‌گرای جدید، مرکز آموزش مدیریت دولتی ریاست جمهوری،
- ثمودی، علیرضا، (۱۳۸۹/۷/۲۱)، ((میراث لولا برای آمریکای لاتین))، روزنامه جام جم، شماره ۲۹۶۷
- جهانیان، ناصر، (۱۳۷۷)، ((تحول مفهوم توسعه و ارتباط آن با دین))، قسبات، بهار، شماره ۷
- خیرخواهان، جعفر، عظیمی مروی، رضا، زمان، میلاد، (۱۳۹۳)، ((نگاهی به شاخص جهانی گرسنگی و وضعیت ایران))، دفتر مطالعات رفاه اجتماعی وزارت رفاه و امور اجتماعی، www.mcls.gov.ir
- دهخدا، علی اکبر، (۱۳۹۰)، فرهنگ متوسط دهخدا، تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه
- روشا، گیزاماریا، طارمی، کامران، (بهمن و اسفند ۱۳۸۳)، ((وابستگی جدید در برزیل))، بررسی‌های بازرگانی، شماره ۱۰، (از ۲۸ تا ۴۳)
- سید قاضی، میرسعید، علیرضا، تاج آبادی، حسین، (۱۳۹۵)، ((مفهوم توسعه و پیشرفت در اندیشه مقام معظم رهبری (مدظله))) فصلنامه علمی - پژوهشی مدیریت اسلامی، سال ۴۲، شماره ۳، پاییز
- طزری، تقی، علمدار، آقا کریم، ایمان، یوسف بیگی، محمد حسین، (۱۳۹۵)، ((گزارش شاخص جهانی گرسنگی و وضعیت ایران در سال ۲۰۱۵))، دفتر مطالعات رفاه اجتماعی وزارت رفاه و تامین اجتماعی، www.mcls.gov.ir
- عباسی سورشجاعی، علیرضا، (۱۳۸۵)، ((توسعه و توسعه یافتگی))، توسعه مدیریت، شماره ۷۲
- عباسی، مهدی، (۱۳۸۵)، ((دولت توسعه‌خواه در ایران الگویی برای مطالعه موانع توسعه در ایران))، فرهنگ اندیشه سال پنجم، پاییز، شماره ۱۹
- علوی، سید اسحاق، عربی، سید هادی، (۱۳۹۲)، کلیات علم اقتصاد، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم
- علیخانی، سلیمه محمد، آصفزاده سعید، محبی فر، رفعت، منتظری، علی، (۱۳۹۱)، ((بررسی شاخص توسعه انسانی HDI در ایران و کشورهای منتخب))، فصلنامه پایش، سال یازدهم شماره چهارم مرداد - شهریور
- علیخانی، سلیمه، محمد، آصفزاده، سعید، محبی فر، رفعت، منتظری، علی، (شهریور ۱۳۹۱)، ((بررسی شاخص توسعه انسانی HDI در ایران و کشورهای منتخب))، فصلنامه پایش، سال یازدهم شماره چهارم مرداد صص ۴۱۵-۴۲۳
- عمید، حسن، (۱۳۹۴)، فرهنگ فارسی عمید، امیرکبیر
- فالحی، احسان، امیدی، علی، (پاییز ۱۳۹۶)، ((دامنه تغییر و تداوم سیاست خارجی توسعه‌گرایانه ی چین در دوران شی جین پینگ))، فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، سال نهم شماره یک
- فلاح زاده، حسین، هادیان، الهام، (۱۳۸۵)، ((مقایسه امید به زندگی در مردان و زنان استان یزد در سال های ۱۳۷۵ و ۱۳۸۲))، مجله دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهید صدوقی یزد، دوره چهاردهم، شماره چهارم، زمستان

- فلاح، فیروز، (۱۳۷۶)، ((رابطه فرهنگ سیاسی و توسعه))، کیهان فرهنگی، فروردین و اردیبهشت شماره ۱۳۲
- فلین، شون، (۱۳۹۴)، اقتصاد به زبان ساده، فروزفر، علی، تهران، مبلغان
- کوثری، مسعود، (۱۳۸۷)، ((تاثیر نسبی فناوریهای نوین ارتباطی و اطلاعاتی در توسعه اجتماعی))، فصلنامه مطالعات فرهنگ - ارتباطات
- لفت ویچ آدریان، افشارکهن، جواد، (۱۳۸۵)، دولت های توسعه گرا: "پیرامون اهمیت سیاست در توسعه"، ناشر: مرندیز، نی نگار
- مسجدی، فرخ، (۱۳۸۱)، ((سنجش توسعه یافتگی کشورها))، فصلنامه پژوهش های اقتصادی ایران، شماره ۱۰، بهار
- موثقی، سید احمد، کاهه، علی رضا، (۱۳۹۴)، ((دولت توسعه خواه و زمینه های توسعه در ایران))، فصلنامه سیاست، زمستان، دوره چهل و پنجم، شماره ۴
- میرجلیلی، سید حسین (۱۳۸۵)، ((سواد اطلاعاتی نگاهی به تحول مفهوم سواد در عصر اطلاعات))، کتاب سال هفدهم، بهار، شماره ۱
- میرترابی، سعید، نوربخش، بهمن، ساری اصلانی، مهتاب، (پاییز و زمستان ۹۵)، ((علل قابلیت های متفاوت دولتهای توسعه گرا و رانتیر در کمک به روند توسعه))، مطالعات اقتصاد سیاسی بین الملل سال اول شماره دوم
- میرترابی، سعید، نوربخش، بهمن، ساری اصلانی، مهتاب، (زمستان ۱۳۹۵)، ((علل قابلیت های متفاوت دولتهای توسعه گرا و رانتیر در کمک به روند توسعه))، شناسنامه علمی شماره، دوره ۱، شماره ۲،
- نیسی، عبدالکازم، (۱۳۸۹)، ((شاخص توسعه انسانی در استان های ایران))، فصلنامه علمی - پژوهشی علوم بهداشتی، سال ۲، شماره ۲، بهار
- اسفندیاری، اسماعیل، فقر و انحرافات اجتماعی، مطالعات راهبردی زنان ۱۳۸۲ شماره ۲۱
- میرجلیلی، سید حسین، تجارت و فقر، کار و جامعه، دی ۱۳۸۷، شماره ۱۰۳، صفحات ۸۴ تا ۹۳
- ارضروم چیلر، نسرین، ابعاد گوناگون فقر در ایران، مجموعه پژوهش های اقتصادی، اداره بررسی ها و سیاست های اقتصادی، ۱۳۸۴، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران
- عظیمی، سیدرضا، میری طامه، اشرف سادات، تقیزاده، خدیجه، صمدی، رضا، بررسی روند و علل تورم در ایران در سالهای (۱۳۹۱-۱۳۸۹) و اقدامات صورت گرفته برای مهار آن، فصلنامه سیاستهای مالی و اقتصادی سال یکم، شماره ۱، بهار ۱۳۹۲، صفحات ۵۸-۲۵
- ANA PAULA RIBEIRO PATRÍCIA ZIMMERMANN Com PAC, Governo Espera Investimento De R\$ 504 Bi Até 2010 Folha De S.Paulo. Retrieved On 2012-03-29. □□□□□□□□□□ At:Www.Worldbank.Org
- Basic Income In Brazil Available At: <https://ipfs.io>
- Ben Ross Schneider, The Developmental State In Brazil: Comparative And Historical Perspectives, Revista De Economia Política, Vol 35, N° 1 (138), Pp 114-132 □□□□□□□□- Março/2015
- Bolsa Família: Changing The Lives Of Millions In Brazil, The World Bank, Aug/22/2007 Available At:Www.Worldbank.Org
- BRANDÃO JR., Nilson Brandão E ARAGÃO, Marianna. Miséria No Brasil Cai 27,7% No 1º Mandato De Lula, Economia E Negócios, O Estado De S. Paulo, 20/09/2007, P. B14

- Kirksey, Emily,(2006),"Lula – Brazil's Lost Leader",Council On Hemispheric Affairs, Retrieved 5 April 2008.
- Literate Brazil Programme (Programa Brasil Alfabetizado, PBA) Available At: [Http://Litbase.Uil.Unesco.Org/?Menu=8&Programme=50](http://Litbase.Uil.Unesco.Org/?Menu=8&Programme=50)
- Luiz Inácio Lula Da Silva Available At: Www.Cidob.Org/Biografias Lideres Politicos/America Del Sur/Brasil/Luiz Inacio Lula Da Silva#1
- Monte Reel "Cash Aid Program Bolsters Lula's Reelection Prospects". The Washington Post. ۲۰۰۶-۱۰-۲۹. □□□□□□□□□□ At: Www.Washingtonpost.Com
- Provost, Claire, (21 February 2011). "Social Security Is Necessary And Globally Affordable, Says UN". The Guardian. London.
- Remain In Goal To End Poverty By 2030",(2015) Available At: Www.Worldbank.Org. Retrieved 6 October 2015.
- RUBIO ,Laura B. E, Gloria M. Evaluating The Impact Of Conditional Cash Transfer Programs - Lessons From Latin America, Volume 1, World Bank Policy Research Working Paper 3119, August 2003, The World Bank, 2003.
- The Renewed Developmental State: The National Development Bank And The Brazil Model
- World Bank Forecasts Global Poverty To Fall Below 10% For First Time; Major Hurdles
- World Economic Outlook Database" International Monetary Fund. April 2018: [Http://Www.Imf.Org](http://Www.Imf.Org)
- World Economic Outlook Database". International Monetary Fund. 17 April 2018 Available At:Www.Imf.Org
- YAP, Yoon-Tien, Guilherme Sedlacek And Peter Orazem. 2001. Limiting Child Labor Through Behavior-Based Income Transfers: An Experimental Evaluation Of The PETI Program In Rural Brazil. World Bank, Washington, DC